

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ckp.ir | 021-22581000 | 021-22581001

برای شرکت در قرعه‌کشی، فقط سریال هولوگرام روی جلد کتاب را
به شماره «۳۰۰۰۸۵۸۵» پیامک فرمایید.
جوایز قرعه‌کشی شامل کمک هزینه عمره، عتبات و ... است. برای دریافت جایزه،
ارائه کتاب با مهر فروشنده الزامی است.

سرشناسه: نصیری، محمد، ۱۴۲۴ - عنوان و نام پدیدآور: تاریخ تحلیلی صدر اسلام / محمد نصیری؛ تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی. مشخصات نشر: قم: دفتر نشر معارف، ۱۴۹۱. مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص. فرست: مجموعه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ ۴۳، شابک: ۲ - ۴۲۲ - ۵۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا موضوع: محمد، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. موضوع: اسلام - تاریخ - از آغاز تا ۶۱ ق. موضوع: عربستان - تاریخ شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. شناسه افزوده: دانشگاه معارف اسلامی. معاونت پژوهشی. شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف. رده‌بندی کنگره: ۳۳ ۱۴۹۱ ت ۶ ن ۱۴ BP رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۱۲ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۹۱۷۷۳۸

استاد محترم و دانشجوی عزیز

خواهشمند است با ارائه دیدگاه‌های خود ما را در رفع نواقص و ارتقای کتاب یاری بخشید.

شماره تلفنکس واحد ارزیابی علمی: ۰۲۵. ۳۷۷۴۹۹۱۹

پست الکترونیکی: arzyabi@maaref.ac.ir

صندوق پستی: ۶۱۷۳ - ۳۷۱۵۵

تاریخ تحلیلی صدر اسلامی

ویراست دوم



نویسندگان

دکتر محمد نصیری

عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی



نشر معارف

مجموعه تاریخ ۴۳

تاریخ تحلیلی صدر اسلام / ویراست دوم

◆ نویسندگان محمد نصیری ◆ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها ◆ معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی ◆ بازیینی نهایی سیدسعید روحانی ◆ ویراستار امیرعباس رجبی ◆ صفحه‌آرا حسن مولوی ◆ طرح جلد کارگاه طراحی ۳×۴ ◆ ناشر دفتر نشر معارف ◆ نوبت چاپ اول، تابستان ۱۳۹۶ ◆ شمارگان ؟؟؟؟ نسخه ◆ قیمت ؟؟؟ تومان ◆ شابک ۲-۴۲۲-۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸

مراکز پخش

- ◆ مدیریت پخش دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهید، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نامبر: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۰۴
- ◆ اراک: ۰۲۸-۳۲۲۲۹۰۲۸ - ارومیه: ۰۴۴-۳۲۲۵۴۶۴۱ - اصفهان: ۰۳۱-۳۲۳۵۱۳۴۱ - اهواز: ۰۶۱-۳۲۲۳۸۰۰۰
- ◆ ایلام: ۰۹۱-۷۷۵۵۱۸۸ - یچونرد: ۰۵۸-۳۲۲۱۲۲۸۳ - بندرعباس: ۰۷۶-۳۳۶۱۷۵۵۷ - بیرجند: ۰۵۶-۳۲۲۴۱۷۹
- ◆ تهران: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۲۱۲ - خرم‌آباد: ۰۶۶-۳۲۲۲۲۳۷۱ - رشت: ۰۱۳-۳۳۳۴۵۶۹ - زنجان: ۰۲۴-۳۳۳۶۶۴۵
- ◆ ساری: ۰۱۱-۳۳۲۵۳۰۲۰ - شهرکرد: ۰۳۸-۳۲۲۴۳۲۲۲ - شیراز: ۰۷۱-۳۳۳۴۴۶۱۴ - قزوین: ۰۲۸-۳۳۴۴۰۰۷۶
- ◆ قم: ۰۲۵-۳۷۷۳۵۴۵۱ - قم (شعبه دوم): ۰۲۵-۳۲۹۰۴۴۴۰ - کرج: ۰۲۶-۳۴۴۳۵۲۹۰ - کرمان: ۰۳۴-۳۲۲۲۱۴۶۶
- ◆ کرمانشاه: ۰۸۳-۳۷۲۳۸۴۱۱ - گرگان: ۰۱۷-۳۲۲۳۷۸۸۰ - مشهد: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۱۱۹ - پاسوج: ۰۹۱-۷۷۵۵۱۸۵
- ◆ یزد: ۰۳۵-۳۶۲۳۰۳۳۱

کلیه حقوق محفوظ است

◆ نشانی الکترونیکی: E-mail: info@ketabroom.ir - پایگاه اینترنتی: www.ketabroom.ir

سخن از اعتبار و ارزش تاریخ و میزان تأثیر آن بر زندگی فردی و جهت‌گیری‌های اجتماعی و نیز امکان بهره‌گیری از آن در سامان بخشیدن به زندگی حال و آینده انسان، سخن تازه‌ای نیست؛ چنانکه نقش فرازمند دانستنی‌های تاریخی در فهم و دریافت بسیاری از علوم و معارف دیگر نیز نیازمند گفتگوی فراوان نمی‌باشد.

آنچه در این میان اهمیت فراوان دارد از يك سو توجه به برخی برهه‌های تاریخی، جریانات و پدیده‌های خاص است که در بستر زمان‌های بسیار دور پدید آمده، اما همواره و تاکنون بر شکل‌گیری حوادث بعدی، برآمدن اندیشه‌ها، ساخت‌وساز فرهنگ‌ها و آداب و سنن، پیدایش فرق و مذاهب و جنبش‌های فکری و نظریه‌ها تأثیر گذاشته است. از سوی دیگر توجه به اسلام و تاریخ آن، رکن اصلی هویت ۱۴۰۰ ساله ایرانی است. تاریخ صدر اسلام با چنین نگاهی اهمیت دو چندان می‌یابد و به هر میزان که بتوان به سرچشمه نزدیک منابع و متون اصلی بررسید، زلالی و سودمندی بیشتری را می‌توان امید داشت.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه شانزدهم *نهج‌البلدغه* می‌فرماید:

شخصیت خود را در گرو آنچه می‌گویم قرار می‌دهم و ضمانت آن را به عهده می‌گیرم؛ بی‌گمان هرکس به روشنی از پیشامدهای تاریخی و فرجام امت‌ها عبرت گیرد و پیوسته آنها را در نظر داشته باشد، ژرف در آنها بنگرد و سنن و قوانین آن را دریابد، واقع‌بینی و پرواداری او را از غلتیدن در جایگاه‌های هلاکت‌بار باز می‌دارد.

مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی سابق بعد از تجدید نظر در سرفصل‌های دروس معارف اسلامی براساس نیازسنجی دانشجویان و صاحب‌نظران و تبدیل درس تاریخ اسلام به سه عنوان تاریخ صدر اسلام، تاریخ امامت و تشیع و تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، متن پیش‌رو را برای عنوان نخست، تقدیم می‌کند.

با تشکر از نگارنده محترم جناب آقای دکتر محمد نصیری (رضی) و همه عزیزان یاور، امید است استادان محترم درس تاریخ اسلام و دیگر اندیشمندان گران‌قدر و دانشجویان

عزیز با نظرهای عالمانه و انتقادات و پیشنهادهای خود، ما را در دستیابی به متن درسی کم‌نقص و دلخواه یاری نمایند.^۱

دانشگاه معارف اسلامی
معاونت پژوهشی



۱. هرچند متن قبلی کتاب براساس سرفصل‌های جدید و با اعمال نظرها و پیشنهادهای متخصصان و اساتید درس تاریخ اسلام دانشگاه‌ها که از طریق برگزاری جلسات نقد، انتشار در جراید و یا ارسال به معاونت پژوهشی دانشگاه رسیده، منتشر و در اختیار دانشجویان این درس قرار می‌گرفت، با این حال تجدیدنظر مجدد، مفید دانسته شد و نگارنده محترم با عطف توجه به نقدهایی که تاکنون رسیده است، اشکالات احتمالی را برطرف و نکات سودمندی را افزوده است.



فصل اول: مباحث مقدماتی تاریخ (۴۶-۱۷)

واژه‌شناسی تاریخ	۱۹
تاریخ نقلی	۲۰
تاریخ علمی	۲۰
علمیت، اعتبار و فایده تاریخ	۲۱
فلسفه تاریخ، سنن و عوامل محرک آن	۲۴
برای مطالعه بیشتر	۲۶
فلسفه تاریخ	۲۶
اهمیت و ارزش تاریخ اسلام	۲۸
تاریخ‌نگاری و اهتمام مسلمانان به آن	۲۹
برای مطالعه بیشتر	۳۴
برخی از مشهورترین مورخان مسلمان	۳۴
مورخان معاصر	۳۶
آسیب‌شناسی تاریخ اسلام و منابع آن	۳۸
اصول و قواعد عام تاریخ‌نگاری با تکیه بر ارزش‌های اسلامی	۴۰
معنا و پیشینه شرق‌شناسی	۴۱
خاستگاه خاورشناسی	۴۲
پرسش‌ها	۴۵
فعالیت‌های علمی	۴۵
منابع برای مطالعه بیشتر	۴۶



فصل دوم: جهان در آستانه بعثت (۷۶-۴۷)

ضرورت بحث	۴۹
جزیره‌العرب	۴۹
الف) موقعیت جغرافیایی	۴۹
برای مطالعه بیشتر	۵۲
ب) وضعیت سیاسی جزیره‌العرب	۵۳
ج) فرهنگ و آداب و رسوم	۵۵

د) زنان و نظام خانواده	۵۶
ه) وضعیت اقتصادی	۶۰
و) اوضاع دینی	۶۱
برای مطالعه بیشتر	۶۳
تقدم تاریخی توحید یا شرك و بت پرستی	۶۳
تاریخ جاهلیت و مفهوم آن	۶۴
امپراتوری ایران در عصر ساسانیان	۶۸
الف) حکومت و سازمان جامعه	۶۹
ب) نظام خانوادگی و حقوق زن	۷۰
ج) وضعیت مذهب	۷۱
امپراتوری روم شرقی	۷۲
الف) وضعیت دینی	۷۳
ب) نظام طبقاتی	۷۴
پرسش‌ها	۷۵
فعالیت‌های علمی	۷۵
منابع برای مطالعه بیشتر	۷۶



فصل سوم: تاریخ پیامبر اسلام ﷺ: ولادت، بعثت و دعوت (۱۱۲-۷)

کودکی و نوجوانی	۷۹
کلید شخصیت محمد ﷺ در نوجوانی و جوانی	۸۱
جوانی	۸۲
ازدواج	۸۳
آغاز رسالت	۸۵
برای مطالعه بیشتر	۸۶
افسانه‌ای درباره اولین وحی و آغاز بعثت	۸۶
دعوت خصوص - پنهانی و تبلیغ عملی	۸۹
سه مسلمان نخست و جهت‌گیری اجتماعی دعوت	۹۰
انذار خویشاوندان و دعوت آشکار	۹۱
دعوت عمومی و آغاز صف بندی موحدان و مشرکان در مکه	۹۳
علل مخالفت با اسلام	۹۴
اقدامات مشرکان	۹۶

شگردهای مسالمت‌آمیز	۹۶
نیرنگ‌های مردم‌فریب و مجمع‌تهمت‌هماهنگ	۹۸
اقدامات‌علیه‌بنیان‌فکری‌نهیضت	۱۰۰
اقدامات‌علیه‌حامیان‌نهیضت	۱۰۱
انزوای‌سیاسی‌و‌محاصره‌اقتصادی	۱۰۴
راز‌دلدادگی‌خدیجه <small>رضی‌الله‌عنه‌و‌آل‌ه‌و‌آل‌ه‌و‌س‌ل‌م</small>	۱۰۷
توفیق‌دعوت‌در‌مکه‌و‌زمینه‌های‌هجرت‌به‌مدینه	۱۰۸
آخرین‌توطئه‌و‌هجرت‌پیامبر <small>صلی‌الله‌عنه‌و‌آل‌ه‌و‌آل‌ه‌و‌س‌ل‌م</small> به‌مدینه	۱۱۰
پرسش‌ها	۱۱۲
فعالیت‌های‌علمی	۱۱۲
منابع‌برای‌مطالعه‌بیشتر	۱۱۲



فصل چهارم: تاریخ پیامبر اسلام صلی‌الله‌عنه‌و‌آل‌ه‌و‌آل‌ه‌و‌س‌ل‌م؛ هجرت و حکومت (۱۷۱-۱۱۵)

هجرت و نقش دینی، اجتماعی و سیاسی آن	۱۱۷
تأسیس ملت و گسترش اسلام	۱۲۰
وحدت جامعه در سایه پیوند معنوی افراد	۱۲۲
همزیستی مسالمت‌آمیز در قالب نخستین قانون اساسی	۱۲۳
جهت‌دهی تدریجی مناسبات اقتصادی به سوی عدالت	۱۲۶
ماهیت جنگ‌های پیامبر <small>صلی‌الله‌عنه‌و‌آل‌ه‌و‌آل‌ه‌و‌س‌ل‌م</small>	۱۲۷
پیامبر <small>صلی‌الله‌عنه‌و‌آل‌ه‌و‌آل‌ه‌و‌س‌ل‌م</small> و بسیج نیروها	۱۳۰
تدابیر جنگی	۱۳۱
الف) فرماندهی هوشمندانه پیامبر <small>صلی‌الله‌عنه‌و‌آل‌ه‌و‌آل‌ه‌و‌س‌ل‌م</small>	۱۳۲
ب) روحیه ایمانی و جنگاوری مجاهدان	۱۳۳
ج) رعایت عدالت در جنگ با دشمن	۱۳۳
حضرت محمد <small>صلی‌الله‌عنه‌و‌آل‌ه‌و‌آل‌ه‌و‌س‌ل‌م</small> و مخالفان	۱۳۴
یهودیان	۱۳۴
جریان نفاق و منافقان	۱۳۶
برای مطالعه بیشتر	۱۴۰
علل و اسباب درگیری و جنگ‌های پیامبر <small>صلی‌الله‌عنه‌و‌آل‌ه‌و‌آل‌ه‌و‌س‌ل‌م</small>	۱۴۰
اعلام جهانی رسالت	۱۴۴
نامه به خسرو پرویز	۱۴۵

نامه به قیصر روم	۱۴۵
ایمان به راه راستین (مباهله)	۱۴۶
فتح مبین و عفو عمومی	۱۴۷
حج برائت و حج ولایت	۱۴۸
واپسین حج یا حج ولایت	۱۴۹
اصول، شیوه‌ها و اهداف حکومت حضرت محمد ﷺ	۱۵۳
علل و عوامل گسترش اسلام	۱۵۷
قرآن کریم و گسترش اسلام	۱۵۸
سیره، سیما و اخلاق پیامبر اکرم ﷺ و گسترش اسلام	۱۶۳
جلوه‌هایی از اخلاق خاتم انبیاء ﷺ	۱۶۴
پرسش‌ها	۱۷۰
فعالیت‌های علمی	۱۷۰
منابع برای مطالعه بیشتر	۱۷۱



فصل پنجم: از سقیفه تا قتل عثمان (۲۰۸-۱۷۳)

مقدمه: سرشت حق جوی انسان	۱۷۵
اصرار پیامبر ﷺ بر اعزام سپاه اسامه	۱۸۱
بروز شکاف‌ها	۱۸۲
جریان سقیفه و شکل‌گیری خلافت	۱۸۳
خلافت ابوبکر (۱۳-۱۱ ق.)	۱۸۳
جنگ‌های رده و واقعیت از دین برگشتگان	۱۸۶
گذر از در خانه فاطمه ﷺ	۱۸۸
فدک نمادی از معنایی عظیم	۱۸۹
خلافت عمر بن خطاب (۲۳-۱۳ ق.)	۱۹۳
انگیزه‌ها و اسباب فتوحات	۱۹۴
علل و اسباب فتوحات	۱۹۶
ممنوعیت نگارش احادیث	۲۰۱
خلافت عثمان (۳۵-۲۴ ق.)	۲۰۲
کارگزاران خلفا	۲۰۴
الف) کارگزاران ابوبکر	۲۰۴

۲۰۵	ب) کارگزاران خلیفه دوم
۲۰۶	ج) کارگزاران خلیفه سوم
۲۰۶	برای مطالعه بیشتر
۲۰۶	اختلاف مصحف‌ها
۲۰۷	پرسش‌ها
۲۰۷	فعالیت‌های علمی
۲۰۸	منابع برای مطالعه بیشتر



فصل ششم: نگاهی به حکومت امام علی بن ابی طالب علیه السلام (۲۴۸-۲۰۹)

۲۱۱	امام علی <small>علیه السلام</small> همراه با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۱۳	امام علی <small>علیه السلام</small> و خلفای سه‌گانه
۲۱۴	برای مطالعه بیشتر
۲۱۴	امام علی <small>علیه السلام</small> و فاداری خلل‌ناپذیر و مصلحت اسلام
۲۱۹	مهم‌ترین فعالیت‌های امام <small>علیه السلام</small> در دوران خلفا
۲۲۰	گفتمان سقیفه
۲۲۱	عهدنامه جانشینی
۲۲۲	شورای شش نفری تعیین خلیفه
۲۲۴	به حکومت رسیدن علی <small>علیه السلام</small>
۲۲۶	برای مطالعه بیشتر
۲۲۶	دانش سیاسی امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۲۹	موانع و مشکلات حکومت علی <small>علیه السلام</small>
۲۲۹	۱. ناعدالتی اقتصادی
۲۳۰	۲. نابسامانی اجتماعی
۲۳۱	۳. انحراف‌ها و بدعت‌ها
۲۳۲	۴. رفاه‌گرایی و تضعیف ارزش‌های دینی
۲۳۵	علل ناخشنودی از حکومت علی <small>علیه السلام</small>
۲۳۸	سیره علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> و سیمای حکومت علوی
۲۴۵	وصیت‌نامه امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۴۷	پرسش‌ها
۲۴۷	فعالیت‌های علمی

۲۴۸ | منابع برای مطالعه بیشتر



فصل هفتم: امام حسن و امام حسین علیهما السلام و مقتضیات زمان (۲۹۵-۲۴۹)

مقدمه	۲۵۱
نرمش قهرمانانه امام حسن <small>علیه السلام</small>	۲۵۲
زمینه‌های «آتش بس»	۲۵۳
صلح یا تغییر سنگر مبارزه	۲۵۵
مقایسه دو رویه يك رسالت	۲۵۸
مقایسه دوستان و یاران دو امام	۲۵۸
وضع دشمنان دو امام <small>علیهما السلام</small>	۲۵۹
مباهله، آفتابی چون غدیر	۲۶۰
امام حسین <small>علیه السلام</small> و هدف بازگشت حکومت به صالحان	۲۶۴
امام حسین <small>علیه السلام</small> پیش از نهضت	۲۶۴
موانع قیام در دوران معاویه	۲۶۵
وضعیت سیاسی - اجتماعی عصر یزید	۲۶۸
ماهیت، انگیزه و علل قیام امام حسین <small>علیه السلام</small>	۲۶۹
پیام دعوت انجمن‌های سیاسی و مذهبی کوفه	۲۷۲
ارزیابی سفر به عراق در گردونه فعالیت‌های سیاسی	۲۷۵
مسئله آگاهی پیشین امام <small>علیه السلام</small>	۲۷۷
برای مطالعه بیشتر	۲۸۰
اسلام دین سلام و صلح	۲۸۰
فاطمه <small>علیها السلام</small>	۲۸۲
ولادت و ازدواج فاطمه <small>علیها السلام</small>	۲۸۲
پریش‌ها	۲۹۵
فعالیت‌های علمی	۲۹۵
منابع برای مطالعه بیشتر	۲۹۵

۲۹۷ | منابع و مآخذ



کتاب حاضر مطابق با سرفصل مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی برای درس عمومی تاریخ اسلام به ارزش دو واحد درسی تهیه شده است.

در پی چند سال تدریس ویراست اول و دوم کتاب تاریخ تحلیلی اسلام در دانشگاه‌ها، اساتید بزرگوار در اظهار نظرهای کتبی و شفاهی و در جلسات نقد و بررسی کتاب، از گستردگی سرفصل‌ها و رویدادهای حدود چهار قرن اول تاریخ اسلام برای دو واحد درس شکوا داشتند. اینک در بازنگری و تدوین سرفصل‌های جدید به مهم‌ترین رویدادهای تاریخ صدر اسلام تا سال ۶۱ ق بسنده شده است. در یک نشست علمی با حضور صاحب‌نظران و اساتید درس تاریخ اسلام این کتاب براساس سرفصل‌های جدید ارزیابی، نقد و مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفت.

بر این اساس فصل اول کتاب به مباحث مقدماتی تاریخ و نیز تاریخ‌نگاری اسلامی اختصاص یافته است، تا با ارائه قواعد یا قوانینی چند، دانشجو را در کیفیت مراجعه به تاریخ و بازخوانی آن یاری رساند. مباحثی چون مفهوم تاریخ، انواع و عوامل محرک آن، تاریخ‌نگاری در اسلام و اهداف و معیارهای آن، بستر بنیادی پژوهش در تاریخ اسلام شمرده شده است. بحث شرق‌شناسان و تاریخ اسلام، ضمن ارج نهادن به تلاش و پژوهش متفکران منصف این رشته، با اشاره به رویه دیگر برخی از این تحقیقات، افق اندیشه را در چگونگی نگاه به آثار آنان یاری می‌رساند.

فصل دوم، به وضعیت جهان در آستانه بعثت پرداخته است. بررسی وضعیت جزیره‌العرب از نظر جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی، واژه‌شناسی جاهلیت و نشانه‌های آن، وضعیت ایران و روم، نظام خانواده، مذهب و حقوق زن در این دو امپراتوری، برخی از عناوین اصلی این فصل‌اند.

فصل سوم به برخی از مهم‌ترین رویدادهای زندگی پیامبر اکرم ﷺ از ولادت تا بعثت، و چگونگی دعوت در مکه پرداخته است. چگونگی و آغاز رسالت و دعوت، علل مخالفت با دعوت جدید و شیوه‌های مقابله با رسول خاتم ﷺ، در این فصل آمده است.

فصل چهارم به هجرت پیامبر اعظم ﷺ به مدینه و حکومت آن حضرت پرداخته است.

بررسی نقش دینی، اجتماعی و سیاسی هجرت، اقدامات پیامبر ﷺ به منظور تأسیس حکومت و گسترش اسلام، پیوند معنوی امت، همزیستی مسالمت‌آمیز با اهالی مدینه و جهت‌دهی تدریجی مناسبات اقتصادی به سوی عدالت، بخشی از مطالب این فصل است. در بخش دیگر همین فصل، به فعالیت‌های یهودیان و منافقان بر ضد بعثت و نیز اقدامات پیامبر، ماهیت جنگ‌های آن حضرت و تدابیر نظامی و جنگی آن دوره، رسیدگی شده است و در ادامه به چگونگی اعلان جهانی رسالت، حج برائت و حج ولایت، برخی اصول حکومت مدینه، علل و عوامل گسترش اسلام و نقش قرآن و اخلاق بی‌همتای پیامبر در گسترش اسلام پرداخته شده است.

کوشش شده است تا از میان حوادث و پدیده‌ها، امور مهم‌تر و کاربردی‌تر مورد توجه قرار گیرد. تأکید بر بازنمایی و بررسی پاره‌ای از شبهات و نشان دادن لغزش‌های برخی نویسندگان نسبت به عملکرد پیامبر ﷺ از دغدغه‌های دیگر این فصل بوده است.

فصل پنجم با هدف نشان دادن چگونگی شکل‌گیری خلافت در غروب آفتاب نبوت، با رویکردی علمی به تحلیل رویداد سقیفه پرداخته است. ارائه برخی فعالیت‌ها و مشکلات خلفا، اشاره به علل، پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فتوحات، شناخت کارگزاران خلفا و نشان دادن زمینه‌های به قدرت رسیدن امویان، از دیگر مباحث این فصل می‌باشد. فصل ششم در پی تحلیل عملکرد حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در دوران خلفا، با روشی تطبیقی به مقایسه چگونگی به قدرت رسیدن آن حضرت علیه السلام و خلفای سه‌گانه می‌پردازد. موضوعاتی چون عدالت اقتصادی، اجتماعی، انحراف‌ها و بدعت‌ها، رواج رفاه‌گرایی و فراموشی ارزش‌ها، در بحث از موانع و مشکلات حکومت علی علیه السلام و همچنین تحلیل جریان ناکتین، قاسطین و مارقین در بحث علل ناخشنودی از حکومت امام علیه السلام ارائه شده است. این فصل با اشاره به سیره امام علی علیه السلام و سیمای حکومت علوی و نیز آخرین خاطرات از کنار بستر نخستین اسلام آورنده - وصیت‌نامه آن حضرت علیه السلام - به پایان می‌رسد.

تحلیل راز صلح امام حسن علیه السلام، بیان چگونگی فعالیت و مبارزه امام حسین علیه السلام برای حفظ دین و بازگشت حکومت به صالحان، برخی پیامدهای نهضت امام حسین علیه السلام، معرفی و مقایسه شخصیت معاویه و یزید، در فصل هفتم آمده است. دفتر این فصل با بحث از ماهیت، انگیزه و علل قیام امام حسین علیه السلام، ارزیابی سفر به عراق در گردونه

فعالیت‌های سیاسی و نیز بررسی مسئله آگاهی‌پیشین امام علیه السلام به پایان رسیده است. مطالبی با عنوان «برای مطالعه بیشتر»، به‌منظور پاسخ به شبهات و سؤال‌هایی که به‌نوعی جنبه کاربردی داشته و دغدغه گروه زیادی از دانشجویان و اساتید است، در کادر قرار گرفته است. چنانکه به‌منظور تحکیم فرآیند یادگیری و استمرار آموزش و پژوهش، عناوین و موضوعاتی برای فعالیت‌های علمی، نگارش مقاله و ارائه کنفرانس پیشنهاد شده است.

شبهه تحقیق و تدوین

ویراست اول کتاب پس از ارزیابی گروه علمی تاریخ اسلام و پذیرش نظرات اصلاحی دیگر کارشناسان، به چاپ رسید. بر این اساس از حجج اسلام و اساتید محترم، محمد خردمند، علی الهامی، محمدکاظم ادیب‌زاده، یوسف غلامی، علی محمد فرهادزاده، نجف لک‌زایی و محمدحسین محمودی و معاون محترم امور اساتید وقت حجت‌الاسلام و المسلمین علیرضا امینی، مسئول اداره تحقیق و تدوین متون درسی جناب آقای جواد رفیعی و همکاران گران‌قدر آقایان مجتبی درودی، سید علیرضا فاخری، سید سعید روحانی، سلیمان محمدی، حسن عموعبداللہی، علی محسنیان تشکر و قدردانی می‌گردد.

ویراست دوم کتاب بعد از اخذ بازخورد از فراگیران در چند دانشگاه و نیز برگزاری جلسه نقد با حضور اساتید درس، مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت و تاریخ تحلیلی صدر نیز بعد از برگزاری نشست علمی نقد کتاب، و فراهم آمدن انتقادات و پیشنهادهای صاحب‌نظران و اساتید با ویرایش جدید و مطابق سرفصل‌های جدید تقدیم شد. متن پیش‌رو نیز در بازنگری‌های اخیر نسبت به کتاب‌های درسی معارف اسلامی مورد اصلاح و با حذف برخی مطالب، نکات دیگری بدان افزوده شد.

قدردانی از اساتید بزرگوار سرکار خانم دکتر فاطمه جان احمدی و دکتر فهیمه فرهمندپور، آقایان دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی، دکتر بهمن خوئی‌زاده، دکتر ابوالفضل عابدینی و اساتید و محققان گران‌قدر حجج اسلام، جلیل تاری، حمید احمدی، علی الهامی و استاد بزرگوار حوزه و دانشگاه حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی، که هریک با حضور در نشست نقد کتاب و یا ارسال کتبی دیدگاه‌هایشان یارمان بودند، بر خود فرض می‌دانم.

برای شادروان عباس عبیری اولین ویراستار کتاب، غفران الهی مسئلت می‌نمایم و برای ویراستار متن جدید، جناب حجت‌الاسلام آقای یوسف غلامی آرزوی بهروزی و توفیق روزافزون دارم.

همچنین از مسئولان و همکاران عزیز در دانشگاه معارف اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی‌اکبر کلانتری (رئیس دانشگاه)، غلامحسین گرامی، محمدحسین دانشکیا، صالح زارع و دیگر همکارانشان و نیز جناب آقای سید سعید روحانی کارشناس گروه تاریخ و تمدن اسلامی که با دقت و حوصله تمام، بازبینی نهایی، صفحه‌پردازی و تنظیم متن را برعهده داشتند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

از آنجا که مطالب عرضه شده همچنان نیازمند تکمیل است به دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اندیشمندان حوزه و دانشگاه - به‌ویژه دانشجویان عزیز و اساتید محترم این درس - به دیده منت می‌نگریم.

این انتظار که نوشته بتواند اذهان مستعد فراگیران را نسبت به مسایل اساسی تاریخ اسلام برانگیزد، مرحله‌ای از هدف است و حصول مراد اصلی در گرو خواست و رضایت خداوند متعال می‌باشد. پروردگارا، همواره به تو پناه می‌بریم و به لطف تو امیدواریم.

محمد نصیری
قم، تابستان ۱۳۹۱

فصل اول
مباحث
مقدماتی تاریخ

تاریخ از نظر لغت به معنای تعیین و شناساندن وقت است.^۱ برخی این واژه را عربی ندانسته‌اند،^۲ اما نظر برگزیده‌تر این است که تاریخ از ماده «آرخ» یا «وَرخ»، به معنای تعیین وقت است.^۳

چیستی علم تاریخ از مسائلی است که تاکنون پاسخی جامع و مورد اتفاق نداشته، همه تعریف‌های آن با ایراد یا انتقاد روبه‌رو بوده است. هرودوت (پدر تاریخ) علم تاریخ را به معنای مطالعه و بررسی روزگاران گذشته می‌داند.^۴ احوال گذشته جهان و حتی پدیده‌هایی که انسان در آنها مؤثر نیست، احوال گذشته زمین یا شرح حوادث گذشته بر زمین بعد از پیدایش انسان، برخی از تعریف‌های ارائه شده درباره تاریخ است.^۵ با این تعریف‌ها دانش‌های دیگر - که به جهان، پدیده‌های آن، انسان یا ابعاد زندگی‌اش می‌پردازد - به محدوده تاریخ راه نمی‌یابد. با توجه بدین کاستی، گروهی گزارش وقایع مشهور، روزگار پادشاهان، جنگ‌ها، احوال پیامبران و سیره و سنت آنان را معنای تاریخ دانسته‌اند.^۶

ابن‌خلدون، تاریخ را دانشی سرچشمه گرفته از حکمت، و بیانگر سرگذشت ملت‌ها، سیره پیامبران و سیاست پادشاهان می‌داند.^۷ برخی نیز تاریخ را مجموع وقایع کره زمین از آغاز پیدایش انسان تا کنون می‌دانند؛ وقایعی که بر احوال و شئون انسان تأثیر نهاده یا از آن متأثر شده است.

۱. در زبان انگلیسی، واژه History تاریخ برگرفته از istoria یونانی، به معنای «سرگذشت و شرح حال» است.

۲. ر.ک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغة.

۳. ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، لغت اریخ؛ طریخی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۲۹.

۴. لؤکاس، تاریخ تمدن، ص ۷.

۵. ایرو، زیده التواریخ، ج ۱، ص ۲۶؛ آیینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۳۶ - ۴۸.

۶. برای اطلاع بیشتر از تعاریف تاریخ، ر.ک: سجادی و عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۹-۱۰.

۷. ابن‌خلدون، مقدمه ابن‌خلدون، ص ۴ و ۹.

براساس این تعریف، موضوع علم تاریخ عبارت است از کنش و واکنش خارجی یا دارای اثر خارجی انسان.^۱

اگر بتوان انسان را مخلوق برتر و هدف نظام آفرینش دانست و نیز اگر بتوان از انسان به عنوان مخلوق برتر و هدف نظام آفرینش یاد کرد، با توجه به دو لازمه جدایی ناپذیر زندگی او و همه پدیده‌های مادی و معنوی پیرامونش یعنی زمانمندی و مکان داری، می‌توان گفت: «تاریخ مجموعه‌ای از اطلاعات، درباره گذشته و نقش تأثیر و تأثر انسان در ارتباط با آن گذشته است».

به دلیل گسترده شدن مسائل مربوط به تاریخ، شهید مطهری (ره)^۲ که تاریخ را یکی از منابع معرفت انسانی می‌داند، آن را به دو بخش نقلی و علمی تقسیم می‌کند^۳ و قواعد استنباطی تاریخ علمی را به حال و آینده تعمیم پذیر می‌داند.

تاریخ نقلی

تاریخ نقلی، علم به وقایع و حوادث سپری شده و آگاهی از اوضاع و احوال گذشتگان است. زندگی نامه‌ها، فتح نامه‌ها و سیره‌ها، از این نمونه است. علم تاریخ در این معنا، به یک سلسله امور جزئی و فردی می‌پردازد و در واقع علم به «بودن» هاست؛ زیرا به گذشته تعلق دارد.

تاریخ علمی

تاریخ علمی یعنی مطالعه، بررسی و تحلیل وقایع گذشته و استنباط قواعد و سنت‌های حاکم بر زندگی گذشتگان. در واقع محتوای تاریخ نقلی (حوادث و وقایع گذشته) مبادی و مقدمات این علم شمرده می‌شود و برای استنباط قوانین کلی و کشف طبیعت حوادث تاریخی و روابط علی و معلولی آنها سودمند است.^۴

۱. ملکیان، فلسفه تاریخ جزوه درسی، ص ۱۹.

۲. شهید مطهری، علوم مربوط به تاریخ را سه بخش می‌داند: فلسفه تاریخ، تاریخ نقلی و تاریخ علمی، عقلی یا تحلیلی؛ و پیداست فلسفه تاریخ از اقسام تاریخ نیست، بلکه از اقسام فلسفه علم است.

۳. مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۳۵۲ - ۳۵۱؛ همو، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۶۸ - ۳۶۷ و ر.ک: روحانی، تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۴ - ۲۲.

۴. مطهری، مجموعه آثار جامعه و تاریخ، ج ۲، ص ۳۷۲ - ۳۶۸.

شاید از خود پرسیده باشید آشنایی با انبوه نام‌ها، حوادث، فراز و نشیب تمدن‌ها و عملکرد نیاکان در شکل‌گیری زندگی آینده ما چه نقشی دارد؟ آیا این گزارش‌ها و تحلیل‌ها تا چه میزان واقعیت دارد؟

اگر بپذیریم که هر حادثه مولود علت یا علت‌های پیش از خود و دست‌کم انگیزه سلسله حوادث بعدی است، بدین نتیجه می‌رسیم که زندگی ملت‌ها چون رشته‌ای دراز است و مجموع انسان‌های يك عصر تنها یکی از مهره‌های آویخته بدین رشته به‌شمار می‌آید. استواری و ناستواری هر مهره به چگونگی پیوند آن به مهره پیشین و پسین وابسته است. پس زندگی مردم يك عصر در هر کشور، از زندگانی گذشتگان و آیندگان جدانیست و برای یافتن علت حوادث نامطلوب و راه رویارویی با آنها، باید به تحقیق در گذشته ملت‌ها پرداخت.^۱ تاریخ نه مایه سرگرمی بلکه نوعی پل ارتباطی میان نسل‌های متوالی بشر برای دستیابی به تجربه‌ها و اندوخته‌های پیشینیان است. مطالعه تطبیقی و تحلیلی تمدن‌های گوناگون، کوشش برای یافتن رابطه‌ای علیّ میان حوادث زنجیره‌ای تاریخ و دقت در آنچه بر انسان‌ها رفته است، سرمایه مناسبی است که انسان را در پی‌ریزی يك زندگی سالم و خردمندانه یاری می‌رساند.^۲

افزون بر این، بررسی تاریخ پاسخ به آرزوهای همیشگی انسان است که اصرار دارد از خود و دیگران آگاهی کسب کند،^۳ علل و انگیزه ظهور و سقوط تمدن‌ها را بشناسد، حق را از باطل تمیز دهد و با راه تکامل و نیکبختی دنیوی و اخروی خود آشنا شود.^۴ بر همین اساس، مصلحان بزرگ و انسان‌های متعالی در تجربه‌های انسانی تاریخ دقت می‌کنند و در بهره‌گیری از آن می‌کوشند. امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام و دیگر انسان‌ها می‌فرماید:

فرزندم، هر چند من عمر همه کسانی را که پیش از من زیسته‌اند، سپری نکرده‌ام، در اعمال همه آنها نگریسته و در اخبارشان اندیشیده‌ام. برای شناخت تاریخ آنان

۱. شهیدی، کیهان اندیشه، ش ۱۱، ص ۹۳ - ۹۰.

۲. رنک: سخاوی، الاعلان بالتوبیخ لمن ذم التاريخ، ص ۸۶ - ۱۴.

۳. رنک: زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، ص ۲۶ - ۹؛ یاسپرس، آغاز و انجام تاریخ، ص ۳۲۸ - ۳۰۹.

۴. ابن اثیر، الکامل فی التاريخ، ج ۱، ص ۱۱ - ۹.

چنان در آثارشان به تفکر پرداخته‌ام که یکی از آنان شده‌ام. به سبب آگاهی از سرگذشت آنان، گویا با همه آنها، از اولین فرد تا آخرینشان زندگی کرده، زلال و پاک‌ی زندگانی آنان را از تیرگی‌های آن، و سودمندی‌اش را از زیان آن بازشناخته‌ام.^۱

خداوند متعال در بیشتر سوره‌های قرآن به بیان سرگذشت پیامبران و ملت‌های پیشین پرداخته است. در مکتب اسلام،^۲ تجربه پیشینیان چنان اهمیت دارد که خداوند به پیامبرش فرمان می‌دهد در راه اعتلای «کلمه توحید» و رستگاری و هدایت بندگان از تاریخ استفاده کند و روزهای مقدس خداوند (ایام الله) را به یادشان آورد.^۳

از آنجا که اثبات دانش بودن تاریخ (Science) به آسانی میسر نیست، گروهی به تاریخ و گزاره‌های آن بسیار بدبین و بی‌اعتمادند. اینان علم تاریخ را نوری ضعیف می‌دانند که در مسیر ناهموار زندگی، کمتر می‌توان بدان اعتماد کرد.^۴ دشواری ارزیابی دقیق علل رفتارها، روابط علّی و معلولی آنها و تجربه‌ناپذیری آن - در تاریخ علمی - و همچنین مشکل تأثیر بسیار غرض‌ها و تعصب‌ها و اهتمام خودکامگان و سیاست‌مداران به تدوین تاریخ (تاریخ نقلی) این بدبینی را دو چندان کرده است؛ اما به دلیل اینکه وجود تاریخ، به عنوان مجموعه‌ای از معارف برخوردار از روش، موضوع و نظم و انسجام، تردیدناشدنی است، بیشتر محققان، نگاهی چنین بدبینانه به شناسنامه تمدن‌ها را واقع‌بینانه نمی‌دانند.^۵ زیرا اولاً ماهیت برخی وقایع به‌گونه‌ای است که امکان تحریف و دروغ در آنها راه ندارد. ثانیاً نمی‌شود همه افراد بشر را به سودجویی و دروغ‌پردازی در ثبت و نقل وقایع متهم کرد. افزون بر این، محقق می‌تواند با توجه به شاخص‌هایی که برای مطالعه تاریخ وجود دارد، درستی و نادرستی بسیاری نقل‌ها و تحلیل‌ها را دریابد.^۶

۱. آی بَقِ إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عَمْرَتِ عَمْرٍ مِّنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَرْتُ فِي أَسْبَابِهِمْ وَسِرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عَدْتُ كَأَحَدِهِمْ. بَلْ كَأَنِّي بِنَا أُنْتَهَى لِي مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عَمَّرْتُ مَعَ أَوْلَادِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صِفُو ذَٰلِكَ مِنْ كُتُبِهِمْ وَنَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ. **نهج البلاغه**، نامه ۳۱، ص ۲۹۸ - ۲۹۷

۲. ر.ک: کُفَيْفَ: ۱۸: ۱۳ - ۹ - ۷۷ - ۵۹؛ بَرُوحِ (۸۵): آیات ۲۰ - ۱۷.

۳. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحِيًّا بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ. اِبْرَاهِيمَ (۱۴: ۵)

۴. ر.ک: یاسمی، **مقالات و رساله‌ها**؛ تاجبخش، **تاریخ و تاریخ‌نگاری**؛ کار، **تاریخ چیست**.

۵. ر.ک: سخاوی، **الاعلان بالتبویخ لمن ذم اهل التاریخ**؛ مطهری، **حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی**، ص ۳۱ به بعد.

۶. ر.ک: مطهری، **مجموعه آثار فلسفه تاریخ**، ج ۱، ص ۳۷۷ - ۳۷۵.

دقت در رویکرد تاریخی قرآن و نهج البلاغه به خوبی بیانگر اهمیت، اعتبار، فایده‌مندی و علمیت تاریخ است. حتی اگر علمیت را به معنای تجربه‌پذیری و آزمودنی‌بدانیم نیز تاریخ از علمیت برخوردار است. البته ممکن است معیارها و موازین تجربه در تاریخ و روش این تجربه دقیقاً همان روش و معیارهایی نباشد که برای علوم حسی و تجربی شمرده و طی می‌شود. از نظر قرآن کریم، هم برداشت روایی از یک پدیده طبیعی یا غیرطبیعی، یا نقل رفتار و کنش و واکنش یک شخصیت خوب یا بد، زن یا مرد، یا گزارش یک فتح یا شکست، کامیابی یا ناکامی یک قوم یا یک جامعه و یا فرهنگ و تمدن (تاریخ نقلی) مهم است و هم تحلیل ساختارها، بررسی علل وقوع حوادث و شناختن و شناساندن زمینه‌ها و علل بروز حوادث و پدیده‌ها و پیامدهای آن (تاریخ تحلیلی). چنانکه کشف قوانین حاکم بر وقایع تاریخی و تبیین کم و کیف تکرار آنها (فلسفه تاریخ) نیز مورد اهتمام قرآن کریم و سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه است.

اسامی برخی سوره‌های قرآن چون ابراهیم، یونس، هود، کهف، مریم، انبیاء و لقمان و یا اسامی بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ و مهم‌ترین الگوهای انسانی‌اند که ژرف‌ترین تحولات را در دوره‌هایی از زندگی بشر ایجاد کرده‌اند و یا از اصطلاحات و موضوعاتی است که به پدیده‌های تاریخی عظیمی اشاره دارند و هر یک یادآور وقایعی است که به بخش گسترده‌ای از شناسنامه و هویت اقوام و ملل مختلف می‌پردازد. آموزه‌های ژرف نهج البلاغه نیز همگام با قرآن گزیده‌ای از تاریخ تمدن گذشته بشری، تصویری از مسائل سیاسی و اجتماعی عصر خود، و پند و عبرتی است برای آیندگان و آنان که می‌خواهند با دقت در سرنوشت ناسپاسان به نعمت‌های الهی و تعالیم انبیا، که به بلای سلطه ظالمان گرفتار آمدند و تجربه‌های تلخ آموختند، برای زندگانی کوتاه دنیا، ابزار آرامش و برای زندگی دائم آخرت اسباب آسایش و تقرب الهی را فراهم آورند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

پیمان و شخصیت خود را در گرو آنچه می‌گویم قرار می‌دهم و ضمانت آن را به عهده می‌گیرم. بی‌گمان هرکس به روشنی از پیشامدهای تاریخی و فرجام بد ائمت‌ها در گذشته عبرت گیرد، پیوسته آنها را در نظر داشته باشد، ژرف در آنها بنگرد و قوانین و نوامیس حرکت جوامع را از آن حوادث دریابد، واقع‌بینی و پرواداری او را از غلتیدن در جایگاه‌های شبهه‌ناک و هلاکت بار باز می‌دارد.^۱

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ص ۱۷ و رک: جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۳۳ - ۲۲۶.

فصل دوم
جهان در آستانه
بعثت

ضرورت بحث

اسلام با رخداد عظیم بعثت پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ متولد شد. با این تولد، تاریخ پرماجرای انسان در بستری نو، به راه خویش ادامه داد. اختصاص حجم وسیعی از اندیشه و تحقیق دانشمندان به شناخت ماهیت اسلام و آثار این موهبت الهی نشان دهنده اهمیت بسیار این رستاخیز بزرگ در تغییر بنیادین باورهای جوامع بشری است.

ارزیابی همه جانبه این تحول بدون شناسایی وضعیت جوامع پیش از بعثت میسر نیست. زیرا تا باورها، فرهنگ و تمدن، آداب و سنن جوامع کهن شناخته نشود، میزان تأثیر آیین نو آشکار نمی‌گردد.

بدین ترتیب آگاهی از وضعیت برخی از مهم‌ترین جوامع آن روزگار، به‌ویژه محیط پیدایش اسلام، (جزیره العرب) برای شناخت هرچه بهتر دوران رسالت و تعالیم اسلام و پاسخ‌گویی به ادعای کسانی که اغلب احکام اسلام را برگرفته از شریعت یهود یا عادات و آداب زمان جاهلیت اعراب و یا نتیجه معاشرت با برخی افراد خاص می‌دانند، ضروری است.^۱

جزیره العرب

الف) موقعیت جغرافیایی

جزیره العرب و به تعبیر دقیق‌تر، شبه جزیره عرب^۲ در جنوب غربی آسیا، با حدود سه میلیون و دویست هزار کیلومتر مربع مساحت، بزرگ‌ترین شبه جزیره جهان است که هنوز بخش‌هایی از آن، به علت وجود توفان‌های

۱. ر.ک: یوسفی غروی، *موسوعة التاريخ الاسلامی*، ج ۱، ص ۸۲ - ۶۹.

۲. کسانی که اصطلاح شبه جزیره را ترجیح داده‌اند، باریکه خاکی یکصد کیلومتری استان رقه و استان لاذقیه در کشور سوریه که به شبه جزیره سینا متصل است را مدنظر قرار داده‌اند. اما کسانی که اصطلاح جزیره را به‌کار می‌برند، این فاصله ناچیز را در برابر مرزهای چندین هزار کیلومتری که به‌وسیله آب اقیانوس، دریا، خلیج و رودهای بزرگ پوشیده است، نادیده می‌گیرند.

شنی وحشتناک، ناشناخته مانده است. این شبه جزیره از طرف شمال به وسیله بیابان ها و ریگزارهای پهناور از يك سو به دژه فرات (عراق) و از سوی دیگر به سرزمین سوریه منتهی می شود. از طرف شرق به خلیج فارس و خلیج عمان، و از طرف جنوب به خلیج عدن، تنگه باب المندب، اقیانوس هند و دریای عمان محدود می شود و از طرف مغرب به دریای سرخ می پیوندد. با این حال جز در جنوب، از آب بهره چندانی ندارد. فقط حاشیه باریکی از زمین های پیرامون آن، جنوب و نواحی کوهستانی معتدل، از نعمت باران برخوردار است. در دیگر مناطق، کوه های برهنه و صحراهای خشک و غیرقابل سکونت فراوان به چشم می خورد. ارتفاع دیوار بلند این رشته کوه ها، که از شبه جزیره سینا آغاز می شود و در امتداد دریای سرخ تا خلیج فارس ادامه می یابد، حدود ۲۴۷۰ متر است. در لابه لای این کوه ها، دره های کوچک و بزرگی که «وادی» نامیده می شود، بخش های مختلف این سرزمین را به هم پیوند می زند. جزیره العرب، از نظر جغرافیایی به سه بخش تقسیم شده است:^۱

۱. شمال و غرب (حجاز): این بخش، که شهرهای مکه، مدینه، طائف، ینبوع و جدّه را در بر می گیرد، سرزمینی کوهستانی با بیابان های وسیع، کم آب و کمتر مستعد کشاورزی است. البته در آن روزگار زمین های اطراف مدینه و طائف به خاطر قنات ها استعداد کشاورزی داشت. ۲. مرکز و شرق (صحرای عرب): سرزمین بلند منطقه نجد، بیابان های وسیع نفود و ربع الخالی، که در آن از باران و آبادانی خبری نیست، در این بخش قرار دارد. انسان بدوی، شتر، نخل و ریگزار، چهار بازیگر نقش اساسی زندگی صحراوند و کمی آب، گرمای زیاد، سختی راه ها و نایابی غذا، چهار مشخصه اصلی این صحراها.

۳. جنوب (یمن): این بخش که در گذشته، عربستان خوشبخت یا یمن نامیده می شد، شامل منطقه ای به شکل مثلث است که ساحل دریای عرب، ضلع شرقی و دریای سرخ، ضلع غربی و خط فرضی ظهران - حضرموت، ضلع سوم آن را می سازد. این بخش پرنعمت ترین نقطه جزیره است؛ به گونه ای که آثار تمدن درخشان و با عظمت آن تا به امروز باقی و مشهور است.^۲

۱. کشور کنونی عربستان سعودی حدود چهار پنجم این شبه جزیره را فراگرفته است و بقیه آن را بر حسب تقسیم بندی کنونی جهان، نه واحد سیاسی سوریه، اردن، یمن، عمان، امارت متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و نیمی از خاک عراق کنونی تشکیل می دهند. ر.ک: جعفری، گیتاشناسی نوین کشورها، ص ۲۵؛ پیشواپی، تاریخ اسلام؛ از جاهلیت تا رحلت پیامبر ﷺ، ص ۲۴

۲. سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۹ به بعد؛ حسینی ادیانی، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۵ به بعد.

۳. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۷۴ و ۱۸۰ به بعد. و ر.ک: نوری، اسلام و عقاید و آراء بشری

دولت معین، دولت خَضْرَمُوت، قَتَبان، سبأ، از حدود چهارده قرن قبل از میلاد مسیح عز تا شش قرن بعد از میلاد و آستانه ظهور اسلام، در این منطقه وجود داشته است.^۱ آثار تاریخی بسیار زیبایی مأرب (شهر معروف سبأ) و سد عظیم آن، که به وسیله سیل ویران شد، زمین‌های حاصلخیز، معادن زرخیز صادراتی طلا و نقره و سنگ‌های گران‌بهای آن حکایت‌گر پیشرفت‌های هنری، صنعتی و منابع طبیعی این بخش است. جهانگرد مشهور رومی «سترابون» که یک قرن قبل از میلاد از این سرزمین دیدن کرده است از تمدن این منطقه یاد کرده، می‌گوید: شهر مأرب شهر عجیبی بوده است. زیرا سقف عمارات آن از عاج ساخته شده و با لوحه‌های زرانود و جواهر، تزیین شده بود. ظروف زیبایی در شهر دیده می‌شود که انسان را متحیر می‌ساخت.^۲

خداوند در قرآن در دو سوره از قوم سبأ نام برده است. نخست از ملکه سبأ (بلقیس) و نامه حضرت سلیمان به او و داستان هدهد، تخت ملکه و ایمان آوردن او،^۳ و دیگر به مناسبت شکستن سد مأرب - حدود پنج قرن قبل از میلاد - و جاری شدن سیل ویرانگر که در نتیجه فساد اجتماعی و انحطاط اخلاقی و روی‌گردانی مردم سرزمین سبأ از خداوند و انکار فرستادگان الهی، پدید آمده بود.^۴

اسناد و شواهد فراوانی به‌ویژه در کاوش‌های باستان‌شناسی قرون جدید درباره تمدن درخشان و دیرینه این سرزمین وجود دارد^۵ و همسایگان، که از وجود چنین ثروتی در این منطقه آگاهی داشتند، بارها به قصد تصرف بدان یورش بردند؛ تا اینکه در سال ۵۳۴ م. حکومت حبشیریان یمن به موجب بالا گرفتن اختلافات مذهبی میان یهودیان و مسیحیان به دست «حبشیان» از میان رفت.^۶

از رویدادهای مهم دوره حکومت حبشیان، لشکرکشی یکی از پادشاهان حبشی (ابرهه)

یا جاهلیت و اسلام، ص ۲۳۴ - ۲۳۱.

۱. ر.ک: شرف‌الدین، الیمن عبرالتاریخ، ص ۵۳.

۲. زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۱، ص ۳ و ر.ک: لویون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۹۲؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۸۹.

۳. نمل ۲۷: ۳۱ - ۲۹ و ۴۰ و ۴۴.

۴. سبأ ۳۴: ۱۶ - ۱۵.

۵. ر.ک: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱، ص ۱۲۸.

۶. ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۴۹.

به مکه بود. او که اندیشه ویرانی کعبه و رونق کلیسای صنعا را در سر می‌پروراند، قبل از کمترین توفیقی نابود شد.^۱

◆ برای مطالعه بیشتر

یکی از حوادث مهمی که در دوران عبدالمطلب - جد پیامبر ﷺ - رخ داد، حادثه حمله حبشیان به مکه و خانه کعبه بود؛ حادثه‌ای که همچون سایر حوادث شگرف به نوعی مبدأ تاریخ شناخته شده است و قرآن با صراحت از آن یاد می‌کند.

در جزیره‌العرب پیش از اسلام، در کنار بت پرستان و پیروان اندک دین حنیف، ادیان و مذاهب گوناگون وجود داشته است. در این میان شهر «یثرب» و «یمن» جایگاه اصلی یهودیان، و منطقه نجران محل زندگی و سکونت مسیحیان بوده است. از آغاز پیدایش مسیحیت و ظهور حضرت مسیح ﷺ روابط مسیحیان و یهودیان دچار اختلال شد و دشمنی میان آنان بالا گرفت؛ چه، یهودیان مسیحیان را گروهی مرتد و بدعت‌گذار می‌شناختند و مسیحیان نیز یهودیان را دشمن حضرت مسیح ﷺ و یارانش می‌دانستند. به همین دلیل پیوسته میان این دو گروه جنگ و درگیری بود. از جمله درگیری‌های یهودیان و مسیحیان در جزیره‌العرب، نزاعی است که به دوران پادشاهی «ذونواس» مربوط است. او که خود یهودی بود در صدد برآمد مسیحیان نجران را مورد شکنجه و آزار قرار دهد. به همین دلیل آنان را مورد هجوم قرار داد و به اسارت گرفت و تنها راه نجات آنان را ترک آیین و گرایش به آیین یهود قرار داد. زمانی که قیصر روم، از این حادثه آگاه شد از پادشاه حبشه خواست تا لشکری برای نجات مسیحیان به یمن گسیل دارد. پادشاه حبشه نیز لشکری همراه فیل‌های جنگی با تجهیزات کامل به یمن فرستاد و ذونواس و سایر یهودیان را سرکوب نمود و مسیحیان را آزاد کرد. گروه مهاجم، به آزادی مسیحیان اکتفا نکرده در صدد نشر مسیحیت در منطقه برآمدند.

ابرهه دستور داد کلیسای با شکوهی در شهر «صنعا» بسازند؛ به این امید که مردم عرب و غیرعرب به مسیحیت درآیند ولی مردم نه تنها پاسخ مثبت ندادند بلکه کلیسای ابرهه را مورد اهانت قرار دادند. ابرهه، که می‌دانست بسیاری از این واکنش‌ها از ناحیه مردمی انجام می‌گیرد که به خانه کعبه احترام می‌گزارند، در صدد برآمد که خانه کعبه را ویران سازد. بدین منظور، روانه مکه شد. بعضی از قبایل عرب با سپاهیان ابرهه درگیر شدند، ولی به سرعت شکست خوردند و تسلیم شدند. ابرهه هنگامی که به نزدیکی مکه رسید به عبدالمطلب پیام فرستاد که ما برای جنگ با شما نیامده‌ایم و هدفی جز خراب کردن کعبه نداریم، بنابراین، اگر با ما درگیر نشوید، نیازی به کشتن شما نداریم. عبدالمطلب در پاسخ گفت: ما نیز در صدد جنگ با شما نیستیم و توانایی این کار را هم

۱. رک: طبری، تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۵۵۸ - ۵۵۱؛ سوره فیل.

نداریم. این خانه خدا و خانه ابراهیم خلیل است. اگر بخواهد او خود مانع شما شده، از خانه‌اش حمایت می‌کند.^۱ لشکریان ابرهه برخلاف تعهدشان شتران مردم از جمله دوپست شتر عبدالمطلب را غصب کردند. عبدالمطلب در صدد ملاقات با ابرهه برآمد و هنگامی که ابرهه پرسید: تقاضای شما چیست، عبدالمطلب آزادی شتران را خواهان شد. ابرهه با شگفتی پرسید در چنین موقعیتی تصور می‌کردم تقاضایی جز انصراف از نابودی کعبه مطرح نمی‌کنی!

عبدالمطلب در حالی که خرابی کعبه را امری بزرگ و تحمل نشدنی می‌دانست با کمال قاطعیت فرمود: «أنا ربّ الأبل و للبیت ربّ؛ من موظف به حمایت شترانم و این خانه نیز صاحبی دارد!»^۲

عبدالمطلب به مکه بازگشت و ابرهه مصمم به نابودی کعبه وارد شهر مکه شد. در این حال مردم مشاهده کردند که مرغان زیادی به نام ابابیل ظاهر شدند و سپاهیان ابرهه را با سنگ‌ریزه‌های محکم مورد حمله قرار دادند. آیات سوره فیل به اجماع مفسران گویای این حادثه است: سالی که پیامبر اکرم ﷺ در آن سال متولد شد. (عام الفیل)

ب) وضعیت سیاسی جزیره العرب

اساس ملیت و بافت اجتماعی - سیاسی جزیره العرب، به ویژه در بخش مرکزی آن - عربستان - که قدرتی سیاسی وجود نداشت، قبیله بود.^۳ مورخان، اعراب ساکن در جزیره العرب از گذشته دور را به سه طبقه تقسیم کرده‌اند:^۴

۱. عرب باند: مراد قبایلی است که سال‌ها قبل از ظهور اسلام به سبب نافرمانی، به وسیله بلاهای آسمانی و زمینی از میان رفتند.^۵ قوم عاد، ثمود و تبع که به تعبیر قرآن^۶ به مجازات الهی محکوم شدند، از معروف‌ترین اعراب باند شناخته شده‌اند.

۲. عرب عاره - اصیل - حاضره: قبایلی که در یمن و دیگر نقاط جنوبی عربستان

۱. از اشعار عبدالمطلب است: اِنَّ لِلبیت لربّاً مانعاً من یرده باثم یصطلم.

البته خانه را خدایی است که نگهدار آن است و هر کس به گناه آهنگ آن کند، نابود می‌شود. یعقوبی، تاریخ

الیعقوبی، ج ۱، ص ۳۳۰

۲. ربك: همان، ص ۳۲۸.

۳. قبیله به مجموع چند خانواده و خویشاوند که با يك رابطه نسبی یا سببی به هم می‌پیوستند گفته می‌شد. کهنسال‌ترین فرد قبیله، ریاست اداره آن را به عهده داشت.

۴. ربك: یوسفی غروی، موسوعة التاریخ الاسلامی، ج ۱، ص ۱۰۶ - ۹۹.

۵. ربك: آیات سوره دخان: آیات ۱۴ - ۱۲ سوره ق و آیات ۴۰ - ۳۹ سوره عنكبوت.

۶. ربك: هود: ۱۱؛ ۶۰؛ فصلت (۴۱): ۱۳.

فصل سوم
تاریخ پیامبر
اسلام ﷺ؛ ولادت،
بعثت و دعوت

عبدالمطلب از میان اصیل‌ترین خانواده‌ها، سعادت‌مندترین بانوی جهان، آمنه را برای فرزندش عبدالله برگزید. دیده به جهان گشودن پیشوای انسان‌ها در سپیده دم هفدهمین^۱ روز ماه ربیع‌الاول سال ۵۷۰ م. عام‌الفیل - ۵۳ سال قبل از هجرت آن حضرت که بعدها به‌عنوان مقیاس زمان و آغاز رسمی تاریخ اسلام قرار گرفت - با حوادثی شگرف همراه بود.^۲ سپری شدن روزگار جاهلیت و آغاز عصر بینش، دانش، بیداری و عدالت، پیام واقعی آن حوادث شمرده می‌شود.

عبدالمطلب، جدّ اول پیامبر ﷺ که به بخشندگی، نیکوکاری و دستگیری از افتادگان شهرت داشت^۳ یادگار عبدالله را شاید به علت ناکافی بودن شیر آمنه^۴ و یا به رسم بزرگان عرب همراه حلیمه سعدیه^۵ - از قبیله بنی‌سعد که به شجاعت و فصاحت معروف بودند - به روستا (بادیه) فرستاد تا در بیرون مکه، در محیط پاک و هوای سالم، بزرگ شود؛ سخن گفتن به لهجه فصیح عربی را - که در آن زمان به خاطر ارتباط و همنشینی کمتر عشایر با بیگانگان، اصیل‌ترین جلوه آن در روستا و صحرا یافت می‌شد - فرا گیرد و نیز از بیماری احتمالی وبای شهر - که خطر آن برای نوزادان بیشتر بود - مصون بماند.^۶

۱. مشهور میان علمای اهل سنت دوازدهم ربیع‌الاول است. ابن‌هشام، *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۱۷۱؛ ابتکار جمهوری اسلامی مقطع مورد اختلاف در نقل روز ولادت پیامبر ﷺ هفتة وحدت اعلان و گرامی داشته می‌شود.

۲. رنک، *یعقوبی، تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۸؛ طبرسی، *اعلام الوری باعلام الهدی*، ص ۱۱؛ جمعی از نویسندگان، *محمد خاتم پیامبران*، ج ۱، ص ۱۷۸ - ۱۷۶.

۳. حلبی، *السيرة الحلییه*، ج ۱، ص ۶. برای اطلاع از سنت‌های عبدالمطلب که بیشتر آن را اسلام تأیید و امضا کرده است، رنک، *شکری آلوسی، بلوغ العرب فی معرفة احوال العرب*، ج ۱، ص ۳۲۴.

۴. مورخان اتفاق نظر دارند که محمد ﷺ هفت روز نخست را از مادرش آمنه شیر خورد، سپس مدت کوتاهی نُوّیبه کنیز ابولهب او را شیر داده است.

۵. نقل است: روزی بانویی حضور رسول اکرم ﷺ آمد، آن حضرت ردای خویش را برای نشستن او گسترد. پرسیدند این بانو کیست؟ گفتند: مادرش [حلیمه]، همان بانویی است که او را در

کودکی شیر داد. رنک، *حلبی، السيرة الحلییه*، ج ۱، ص ۸۸.

۶. ابن‌هشام، *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۱۸۹؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۵، ص ۲۴۸؛ یعقوبی،

حلیمه، در مدت چهار سال، گاه کودک را به مکه می‌آورد و به مادر و نیای بزرگوارش نشان می‌داد.^۱ گویا برای شکل گرفتن شخصیت انسان‌های بزرگ، تحمل ناگواری‌ها و غم‌های جانگناه و آموختن درس بردباری اجتناب‌ناپذیر است. محمد ﷺ پیش از تولد، پدر ارجمندش عبدالله را از دست داد.^۲ چون به شش سالگی گام نهاد، مادر مهربانش دیده از جهان فرو بست و در حدود هشت سالگی، نیای گران قدرش عبدالمطلب به سرای دیگر شتافت.^۳ مشکلات سال‌های یتیمی محمد ﷺ چنان بود که خداوند در آغاز دشواری‌های همه جانبه بعثت، از آن یاد می‌کند و پیامبر را به مهربانی با یتیمان و فراموش نکردن آن زمان فرا می‌خواند.^۴ از این پس، ابوطالب، که تنگ‌دستی بزرگوار و با جناب عبدالله از یک مادر بود،^۵ حامی محمد ﷺ شد. فقر خانه ابوطالب، آن نوجوان سعادت‌مند را با گرسنگی آشنا ساخت. فقر را فخرش قرار داد و زمینه معرفتی معقول گردید تا در پرتو آن، فقر را بشناسد، درد فقیران را درک و راه نجاتشان را جستجو کند.^۶ ابوطالب و همسرش فاطمه بنت اسد

- تاریخ یعقوبی**، ج ۲، ص ۸؛ طبری، **تاریخ الطبری**، ج ۲، ص ۹۸۱ و ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابی طالب**، ج ۱، ص ۳۰. برای اطلاع بیشتر از زندگانی پیامبر و ابعاد شخصیت آن حضرت، رک: نرم‌افزار نوارالسیرة و جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱. رک: ابن هشام، **السیرة النبویة**، ج ۱، ص ۱۱۷۳؛ ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابی طالب**، ج ۱، ص ۳۲ و نیز می‌خواند، **روضۃ الصفا**، ج ۳، ص ۱۰۵۵.
۲. برخی مورخان وفات عبدالله را پس از تولد حضرت محمد ﷺ و سن آن حضرت را هنگام رحلت پدر، هفت ماه و بیست و هشت روز نوشته‌اند. رک: ابن سعد، **الطبقات الکبری**، ج ۱، ص ۱۰۰؛ ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابی طالب**، ج ۱، ص ۳۶.
۳. برای اطلاع بیشتر از علاقه عبدالمطلب به حضرت محمد ﷺ رک: یعقوبی، **تاریخ یعقوبی**، ج ۱، ص ۳۶۵؛ ابن هشام، **السیرة النبویة**، ج ۱، ص ۱۶۸.
۴. **بِشْرِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالصَّحَى * وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى * مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ * وَمَا قَلَى * وَلَإِخْرَجُكَ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى * وَلَسَوْفَ يُمْغِبُكَ رَبُّكَ قَتْرَضَى * أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى * وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى * وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى * فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَنْهَى * وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَى * وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ**، ضحی (۹۳: ۱-۱۱).
۵. از علی ﷺ نقل است که درباره تهنی دستی پدر بزرگوارش فرمود: «اساد ابی فقیرا و ما ساد فقیر قطه؛ پدرم در عین تهنی دستی سروری کرد، در حالی که هیچ تهنی دستی سروری نداشته‌ام».
۶. زندگی دشواری که یتیم عبدالله در متن آن پرورش یافت، به طور طبیعی باید او را فردگرا، خودبین و عاری از کرامت و بزرگواری بار آورد؛ زیرا او در سال‌هایی که برای تعادل عاطفی به مهر پدر و آغوش گرم مادر نیاز داشت، هر دو را از دست داده بود. با این حال در سیره محمد ﷺ فردگرایی، خودبینی، پرخاشگری نبود تعادل عاطفی نمی‌بینیم. او آیین‌ه روحش را تنها به روی فضایل جامعه خویش گشوده و تنها آنچه با فطرت و کیان انسانی سازگار می‌نمود، در خود پرورانده بود. با همین تحلیل است که می‌گوییم بزرگواری شخصیت ابوطالب، بستر کرامت کامل آسمانی محمد ﷺ شد و راه زندگی او را - از هشت سالگی به بعد - از آنچه ابولهب‌ها داشتند، جدا کرد. خانه‌های تهنی از نان و بهره‌مند از کرامت، اگرچه نتوانند شکم‌ها را سیر کنند، فادزند بستر فعلیت یافتن قابلیت‌های آسمانی - که در

- که هر دو چون عبدالمطلب پیرو مذهب ابراهیم خلیل بودند -^۱ در نگهداری از محمد ﷺ بسیار کوشیدند. نوشته‌اند: ابوطالب تا محمد ﷺ بر سر سفره حاضر نمی‌شد دست به طعم نمی‌گشود و همواره ایشان را فرزند خویش خطاب می‌کرد و همسرش نیز از هیچ‌گونه فداکاری نسبت به محمد ﷺ دریغ نمی‌ورزید. همین رابطه عاطفی خاص موجب شد سال‌ها بعد که فاطمه بنت اسد در مدینه وفات کرد، پیامبر خدا ﷺ در مراسم کفن و دفن او حضور یابد و جامه خویش را به او بپوشاند. نقل است هنگامی که علی رضی الله عنه وفات مادر خود را به پیامبر ﷺ خبر داد، آن حضرت فرمود: «الیوم ماتت امی: امروز من بی‌مادر شدم».^۲ محمد ﷺ، براساس سنت نیکوی جوامع قدیم - که فرزندان را از آغاز سن رشد و مطابق توانمندی‌شان به فعالیت و مشارکت در اقتصاد خانه وامی‌داشت - و به سبب کافی نبودن درآمد ابوطالب، تصمیم گرفت مانند بسیاری از پیامبران، «شبانی» پیشه کند. این پیشه نوعی تمرین شکیبایی نیز بود^۳ چنان‌که مشارکت در دو سفر تجاری، در ۱۲ و ۲۴ سالگی نیز در همین جهت ارزیابی شده است.^۴

کلید شخصیت محمد ﷺ در نوجوانی و جوانی

تردیدی نیست که حضرت محمد ﷺ، تا پیش از بعثت - نه در مکه و نه در میان برگزیدگان

- همه انسان‌ها وجود دارد - باشند. بدون تردید اعجاز شخصیت یتیم عبدالله در این است که در متن جامعه‌ای که از آسمان و زمین آن فتنه و فرومایگی می‌بارید و همه فطرت‌های سالم را به کژی، نبود تعادل و ناپهنجاری می‌کشاند، به‌گونه‌ای معجزه‌آسا خود را از قعر روابط انحراف‌زا و ویرانگر بیرون کشد و به عالی‌ترین درجات انسانی و الهی رساند و تا «قاب قوسین او ادنی» صعود کند. ر.ک: زرگری نژاد، *تاریخ صدر اسلام*، ص ۱۸۲ - ۱۸۰
۱. یعقوبی، *تاریخ الیقوبی*، ج ۲، ص ۱۱ و ۱۴؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۱۹.
 ۲. ر.ک: ابراهیمی و رکیانی، *تاریخ اسلام از بعثت نبوی تا حکومت علوی*، ص ۱۱۲، و نیز ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۲۷۰.
 ۳. البته موضوع شبانی انبیا عموماً و پیامبر اکرم ﷺ خصوصاً به دلیل اینکه به نوعی اجیر و مزدور کفار و مشرکان شدن آن حضرت را دربر داشته است، مورد ردّ و انکار برخی مورخان معاصر قرار گرفته است. در حالی که به نظر می‌رسد این امر از هنجارهای طبیعی جزیره‌العرب و یکی از جهات ترجیح فرزند پسر بر دختر بوده است. ابن‌اسحاق از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که هیچ پیامبری نبوده جز اینکه گوسفند چرانیده است و کسی پرسید، شما چگونه، پیامبر ﷺ فرمود: من نیز گوسفند چرانیده‌ام «أنا اراعی غنم اهلی». ر.ک: ابن‌هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۱۶۷ و نیز عاملی، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، ج ۲، ص ۹۸.
 ۴. در سفر دوم که با راهب مسیحی ملاقات کرده است، در پاسخ سؤال راهب که او را به لات و عزی قسم داده بود، با دوری جستن از آن دو بت معروف، تنها اسم خدا را شرط پاسخ‌گویی به سؤال‌ها قرار داد و بدین ترتیب، سال‌ها قبل از بعثت بر یکتاپرستی‌اش تأکید کرد.

جامعه آن روز - به عنوان يك شخصیت اجتماعی برجسته شناخته نبود؛ اما چنان که اشاره شد، حوادث و وقایع این سال‌ها سبب شد که قریش او را «امین» بخواند؛ لقبی که حضور سرنوشت‌سازش در نصب حجرالاسود، تنها موجب ظهور و رواج هرچه بیشتر آن شد و الپیش از این در خلوت خانه دل مردم مگه جای گرفته بود.

دوران جوانی، زمان شکوفایی غرایز و گاه انحراف‌ها و آلودگی‌های انسان است؛ به‌ویژه در فضای تیره جامعه حجاز که حتی کهنسالان به‌گونه‌ای شرم‌آور در آلودگی به‌سر می‌بردند و پرچم سیاه به علامت جاهلیت بر فراز برخی از خانه‌ها نصب شده بود. در این موقعیت، فرزند پاك عبدالله هرگز تأثیر نادرست نپذیرفت و چنان در درستی و صداقت شهره شد که حتی بعدها - چنان‌که اشاره شد - دشمنانش او را «امین» می‌خواندند.

امین به فرد امانت‌دار، راست‌گو، باوقار، خوش‌خلق، کریم و شرافتمند گفته می‌شود که از هر ناپاکی و گناه اجتناب می‌کند. محمد ﷺ امین است و با وجودی که سنین جوانی را می‌گذراند گرد هیچ‌يك از آداب و رسوم جاهلی نمی‌گردد. در مگه نوشیدن شراب، انجام قمار و نیز فساد اخلاقی امور رایج بود. مجالس لهو و خوش‌گذرانی قریش معروف است. معمولاً در مگه شب‌نشینی‌هایی برپا می‌شد که زن و مرد در آن شرکت می‌کردند و به افسانه‌گویی و بذله‌گویی می‌پرداختند، اما آن جناب ﷺ حتی يك بار در این مجالس شرکت نکرد. نه هیچ وقت در بخت‌آزمایی‌های جاهلی شرکت جست و نه لحظه‌ای دامن به فساد آلود. چه جای شگفت که حتی در تهمت‌هایی که قریش پس از بعثت به او نسبت دادند، هیچ‌گاه او را به چنین صفات و کارهایی متهم نکردند؛ بلکه با وجود دشمنی و مخالفت با او، همواره به سلامت نفس، راست‌گویی، امانت‌داری و شرافت او اقرار می‌کردند.^۱

جوانی

دوران جوانی، زمان شکوفایی غرایز و گاه انحراف‌ها و آلودگی‌های انسان است؛ به‌ویژه در فضای تیره جامعه حجاز که حتی کهنسالان به‌گونه‌ای شرم‌آور در آلودگی به‌سر می‌بردند و پرچم سیاه به علامت جاهلیت بر فراز برخی خانه‌ها نصب شده بود. در این موقعیت، فرزند

۱. رک: فتوات، تاریخ/اسلام، ص ۴۲ - ۴۱.

پاك عبدالله هرگز تأثیر نادرست نپذیرفت و چنان در درستی و صداقت شهره شد که حتی بعدها دشمنانش او را «امین» می خواندند.

در ۲۰ سالگی، با شرکت در پیمان «جوانمردی و نیکوکاری» (حلف الفضول) به دادخواهی ستمدیدگان برخاست.

گویا در ۲۵ سالگی و در رویداد گردهمایی بزرگان قریش به منظور ترمیم بنای کعبه که با گفتگوهای جاه طلبانه ای همراه شد و نزدیک بود به کشمکش اساسی مبدل گردد و نزاعی طولانی و خون ریزی پر دامنه پدید آورد، امین قریش با خردمندی و فرزانیگی داوری کرد و ضمن احترام به همه گروه ها و شرکت دادن نمایندگان همه قبایل، حجرالاسود را به جای خویش بازگرداند^۱ و بدین ترتیب، شدیدترین اختلاف در پرتو حکیمانه ترین تدبیر برطرف گردید.

ازدواج

خدایچه، بانوی فهیم و ثروتمند مکه، از زنان ممتاز جزیره العرب به شمار می آمد. با آنکه بر پایه برخی نقل ها دو شوهر پیشین او بدرود زندگی گفته بودند، شادابی و جوانی خود را حفظ کرده، همچنان بزرگان و اشراف خواستگار خویش را نومید می ساخت. او که تبار با فضیلت امین قریش را نیک می شناخت، گویا از راز نهفته در وجود این جوان پاك دامن آگاه بود. اخبار معنوی دل انگیز سفر تجارتي آن بزرگوار ﷺ به شام - که خود مقدماتش را فراهم آورده بود - شوق وی را فزونی بخشید. درایت و هوشیاری خدیجه، زمینه خواستگاری را فراهم آورد.^۲ او خود به دنبال محمد فرستاد و به او پیغام داد که: من به خاطر فامیلی، شرافت خانوادگی، امانت داری، حسن خلق و راست گویی ات، به ازدواج با تو علاقه مندم. خدیجه ﷺ خود مشکل کمبود دست مایه زندگی و مقدمات ازدواج آن جناب را - که احتمالاً از اسباب تأخیر ازدواج او شمرده می شد - با هوشمندی حل کرد و تصمیم گرفت مهریه و هزینه عروسی را بپردازد. بدین ترتیب، نجیب ترین جوان قریش - که دوشیزگان عرب در

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۳. برخی منابع، عمر حضرت را در این داوری ۳۵ سال ذکر کرده اند. (ر.ک: مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۲۷۸؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۱۸)
 ۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۱۶ - ۲۱۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۶۹؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.



فصل چہارم
تاریخ پیامبر
اسلام ﷺ؛ ہجرت
و حکومت

View Article Online First on November 16, 2011; DOI: 10.1002/ajb.22060

واژه «هجرت» که مشتقات آن بیش از ۲۰ بار در قرآن آمده است در عرف دینی به معنی «کوچ» و «خروج» از یک سرزمین به منظور حفظ و تحکیم مبانی عقیدتی و ایمانی است و «مهاجر» کسی است که از محدوده حکومت طاغوت و استبداد خارج می‌شود تا بتواند معاشرت، تربیت و عبادتش را متناسب با شریعت و آرمان خود ترتیب دهد.

در عرف جامعه‌شناسی، اقوام مهاجر کسانی‌اند که به انگیزه‌های شغلی، حرفه‌ای و معیشتی مانند کار، تجارت و یا علل طبیعی مانند زلزله، سیل، قحطی و یا به منظور بهره‌وری از مواهب خدماتی و رفاهی به منطقه دیگری کوچ کرده و ساکن شده‌اند.

در عرف سیاسی، کسانی مهاجر شناخته می‌شوند که به سبب گرایش‌های سیاسی و اجتماعی‌شان در وطن خود از امنیت جانی، مالی و حیثیتی برخوردار نیستند و طبعاً به سرزمین دیگر گریخته یا پناهنده شده‌اند.^۱ آنچه در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده است، لزوم گسستن از جامعه جاهلی و تلاش برای پیوستن به جامعه‌ای متکامل و شرایطی تعالی بخش است. اصولاً فلسفه هجرت در قرآن و سنت پیامبر گویای آن است که انسان در هر جا و هر جامعه‌ای به طبیعت فطری و کمال باطنی خویش دست نمی‌یابد. بنابراین، وظیفه یکایک افراد خواهان تکامل این است که از جامعه‌ای که در آن ظلم، زشتی، انسان‌پرستی و... رواج دارد روی گردانند و به جمعی که شرایط و زمینه یکتاپرست شدن و ماندن در آن بیشتر است، بپیوندند.

مطابق آیات قرآن هیچ فردی در یک وضعیت اجتماعی ظالمانه که روابط سیاسی، اقتصادی و اخلاقی آن بر مبنای ستم به حقوق عمومی استوار شده است، حق مسامحه و غفلت ندارد و نمی‌تواند به بهانه استضعاف

۱. مسائل جامعه‌شناختی از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۶۳ - ۶۰ و ۴۸۳ - ۴۸۰.

در آن جامعه هضم شود.^۱ همین مضمون در بیان امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «یا عبادی الذین آمنوا إنّ أَرْضی واسعةٌ فإِتیای فاعبدون»^۲ چنین نقل شده است: «خانه و سرزمینی که در آن معصیت خداوند می‌شود، جای ماندن نیست.»^۳

قرآن کریم در آیاتی «مهاجرت» را عامل مهم برخوردار ستم‌دیدگان از مواهب دنیا یاد می‌کند^۴ و در آیاتی دیگر با پذیرفتن این عذر که «اینجا وطن من است» و هرگونه سختی را تحمل می‌کنند و به خاطر پیوندهای عاطفی، سنت‌های اجتماعی و یا نزدیک بینی سیاسی و ضعف و زبونی روانی، ننگ ماندن را در جایی که ایمان و حقیقت به بند کشیده شده، پذیرفته‌اند، هشدار می‌دهد که چرا ظلم بر خویشان!^۵ سرزمین خداوند فراخ‌نک است و آدمیان بسیار. به سرزمینی دیگر بشتاب.

از نظر عرف دینی، سیاسی، جامعه‌شناسی و اصول اخلاقی و علمی، آنچه در عصر پیامبر رخ داد، به معنای واقعی هجرت است. البته در حوزه‌ای گسترده‌تر و از افقی بالاتر. زیرا هجرت از درون و سفر در عمق روح از هجرت‌های بیرونی و سفرهای خاکی بالاتر است. به تعبیر لطیف دکتر شریعتی:

بیرون رفتن از آنجا که دیگر نه جای ماندن است و بدر رفتن از آن حال که دیگر نه شایسته بودن است، مهاجرت نه تنها از زادگاه خویش که بسیار سهل است، بلکه از خویشتن خویش که مردافکن است و محمد صلی الله علیه و آله می‌کوشد تا جامعه کوچک مکه را به حرکت درآورد تا بر جای ایستد و اسلام همان‌سان که انسان را از بیرون به جنبش می‌خواند، از درون نیز به انقلاب دعوت می‌کند و بدین‌گونه است که او را همواره از توقف، انحطاط و انجماد می‌راند و اینها همه معجزات علمی و اخلاقی، روحی و معنوی هجرت است؛ هجرت آفاقی و هجرت انفسی.^۶

باید توجه داشت از نظر قرآن اصولاً حتی هجرت آفاقی ویژه یک عصر یا یک نسل یا مربوط

۱. رک: نساء: ۴، ۱۰۰.

۲. عنکبوت: ۲۹، ۵۶.

۳. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۹۱.

۴. آل عمران: ۳، ۱۹۵؛ نحل (۱۶): ۴۱.

۵. نساء: ۴، ۹۷.

۶. رک: جمعی از نویسندگان، محمد خاتم پیامبران (از هجرت تا وفات)، ص ۲۴۹ - ۲۴۸ و رک: جمعی از نویسندگان، تاریخ اسلام، ص ۱۰۵ - ۱۰۳.

به عصر پیامبر ﷺ نیست. در برخی سوره‌های قرآن از هجرت ابراهیم ﷺ و نیز از هجرت موسی ﷺ و قومش از مصر به سوی فلسطین مکرر سخن به میان آورده شده است.^۱ افزون بر این، در بین اقوام دیگر (غیرمسلمان) نیز هجرت منشأ قدرت و مایه پیشروی بوده است. مثلاً در مشرق زمین، آریایی‌ها قومی مهاجر بودند که به پدید آوردن حکومت و تمدن ایرانی نایل آمدند و یا در قرون اخیر، مهاجرانی که از اروپا به سوی امریکا حرکت کردند، تمدن وسیعی را بنیاد نهادند؛ جز آنکه هجرت اسلامی، به لحاظ هدف، از این‌گونه مهاجرت‌ها ممتاز بوده است. بنا بر تعلیم اسلام - چنانکه اشاره شد - برای مال‌اندوزی و سلطه‌جویی نباید هجرت کرد، بلکه برای خدا یعنی اقامه آیین و اشاعه شریعت وی باید حرکت نمود. پس اسلام هدف هجرت را از چپاول اقوام و تسلط بر سرزمین‌ها، به هدف معنوی برگرداند، چنان‌که جهاد اسلامی یعنی دفاع از حیثیت دینی و جان و مال مسلمانان نیز چنین است. دو نکته که در حاشیه مباحث هجرت توجه به آن اهمیت دارد و به معناداری هجرت تأکید می‌کند و از لطایف این سفر معنوی شمرده می‌شود، این است که:

۱. به اتفاق سیره و تاریخ‌نویسان با آنکه شهر یثرب کاملاً آماده استقبال از پیامبر بود به طوری که هیچ خانه‌ای از خانه‌های انصار نماند، مگر آنکه در آنجا از رسول اکرم ﷺ سخن می‌رفت،^۲ پیامبر ﷺ برعکس بسیاری از رهبران، به محض احساس خطر، پیش از پیروانش از دام بلا نگریخت و آنها را در میان مشکلات و سختی‌ها رها نکرد؛ بلکه پس از حرکت مهاجران به یثرب تصمیم به هجرت گرفت. مورخان نوشته‌اند: در مکه از مسلمانان جز رسول خدا ﷺ، ابوبکر، علی و برخی که محبوس یا بیمار یا ناتوان از سفر بودند، کسی باقی نماند.

۲. برخلاف بسیاری از رهبران، اموالی را که به رسم امانت نزد رسول خدا ﷺ سپرده بودند غنیمت نشمرد و به همراه خود نبرد؛ بلکه علی را در مکه گذاشت تا سپرده‌های مردم را بدانان بازگرداند، در حالی که صاحبان امانت از پیروان وی نبودند. طبری می‌نویسد:

پیامبر علی را درباره خروج خود از مکه آگاه کرد و دستور داد که پس از وی در مکه بماند تا سپرده‌های مردم را که نزد پیامبر بود، از طرف او به آنها بپردازد و در مکه

۱. ر.ک: عنکبوت: ۲۹ و ۲۶ و ۵۶؛ ابراهیم (۱۴): ۳۷؛ زمر (۳۹): ۱۰؛ نحل (۱۶): ۴۱؛ نساء (۴): ۱۰۰؛ حج (۲۲): ۴۱ - ۴۰.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۸۴.

هیچ کس نبود که مالی نزد خود داشته باشد و بر آن بیمناک باشد، مگر که آن را نزد رسول خدا ﷺ می‌نهاد. از آن رو که راستی و امانت‌داری وی بر همه معلوم بود.^۱

در خصوص علت ترجیح هجرت به یثرب توسط پیامبر ﷺ یا اشاره امام علی علیه السلام به عنوان مبدأ روزشمار تاریخ پربرکت اسلام در حالی که هم ولادت پیامبر اکرم و هم بعثت آن حضرت نیز به عنوان مبدأ تاریخ اسلام مطرح بوده است، نکاتی را می‌توان مورد توجه قرار داد.

۱. هرچند ولادت یا بعثت آن حضرت نیز ظرفیت چنین نام‌گذاری را داشته‌اند، چنان‌که در خصوص ولادت حضرت مسیح چنین شده است، اما به نظر می‌رسد چون با آغاز هجرت ابعاد اجتماعی - سیاسی و مدنیت اسلام بیشتر نمایان شده است، هجرت مبدأ تاریخ اسلام تلقی شده است.

۲. از آنجا که هجرت، آغاز عینیت بخشی آزادانه به بعثت و اهداف رسالت پیامبر اکرم بوده است، از این رو مبدأ قرار گرفته است.

۳. مبدئیت هجرت برای روزشمار تاریخ اسلام به این خاطر است که اصولاً اسلام و ایمان بدون مهاجرت امکان‌پذیر نیست، اگر هجرت سرزمینی ضرورت ندارد، در حلقه ایمان هجرت درونی اجتناب‌ناپذیر است و مراتب ایمان هر انسانی توسط خود او و با میزان هجرت درونی‌اش قابل محاسبه و ارزیابی است و آغاز هجرت درونی هر شخصی می‌تواند روزشمار حیات طیبه او باشد.

تأسیس ملت و گسترش اسلام

رسول خدا ﷺ روز دوشنبه در دهکده قبا - در دو فرسخی مدینه - مورد استقبال گروهی از اهالی مدینه و مکه قرار گرفت^۲ و تا پایان هفته - که منتظر کاروان اهل بیت نبوت و دیگر مسلمانان بود - مسجدی که امروزه از آن به مسجد التقوی یاد می‌شود^۳ بنیاد نهاد.^۴

۱. ر.ک: طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۷۸ و ۳۸۲؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۷ - ۱۹؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۲۸۶.

۳. ر.ک: توبه ۹: ۱۰۸.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۱۶ به بعد.

شور و هیجانی خاص سراسر یثرب را - که ساکنانش دو سال در اندیشه ایمان به رسول خدا به سر می‌بردند - فرا گرفته بود و مردم درباره صفات نیک و اخلاق پسندیده پیامبر سخن می‌گفتند.

هیجان و سرور در روز جمعه - که مرکب پیامبر ﷺ از محلی به نام «ثنیه الوداع»^۱ سرازیر شد و به خاک یثرب گام نهاد - به اوج رسید. جوانان مسلمان مقدم پیامبر ﷺ را گرامی داشتند و با طنین سرودهای حق‌جویانه، فضای مدینه را از سرور سرشار ساختند.

طلع البدر علینا	من ثنیات الوداع
وجب الشکر علینا	ما دعائے داع
ایها المبعوث فینا	جنت بالامر المطاع

- ماه شب چهارده از «ثنیات الوداع» بر ما طلوع کرد.

- سپاس این نعمت تا نیایشگری خدا را می‌خواند به ما واجب است.

- ای فرستاده به سوی ما، آنچه آورده‌ای پیروی خواهد شد.

پیامبر خدا ﷺ به هنگام ورود، احساسات انبوه مسلمانان اوس و خزرج را که به افسار شتر چنگ‌زده بودند و می‌کوشیدند افتخار میزبانی وی را به دست آورند، پاسخ داد: «زمام شتر را رها کنید، حیوان مأمور است.» شتر کوچه‌ها را درنوردید و سرانجام در زمین دو یتیم زانو زد. وقتی زمین یتیمان برای زندگی غمخوار یتیمان برگزیده شد، انصار رضایت دادند تا حضرت به طور موقت در خانه ابویوب - که در کنار آن زمین قرار داشت - به سر برد. حضرت پس از استقرار در خانه ابویوب، به اقامه نماز جماعت پرداخت و در اولین خطبه نماز جمعه - که با حضور انصار و مهاجران برگزار شد - درباره اصول دین با مردم سخن گفت.

تأسیس مسجد النبی^۲، به مثابه یک نهاد اجتماعی، نشان وحدت مسلمانان، مرکز آموزش و پرورش و پرستش، مهم‌ترین و نخستین اقدام عملی حضرت محمد ﷺ در جهت پیوند دین و دانش بود. او نخستین خشت مسجد را خود حمل کرد. ابن‌خضیر پیش شتافت و گفت: جابه‌جایی خشت را به من بسپارید. فرمود: خشت دیگر حمل کن. به زودی

۱. تپه‌های خارج از شهر مدینه.

۲. برخی مسجد نبوی را اولین مسجدی می‌دانند که پیامبر اکرم ﷺ ساخته است. ر.ک: ابراهیمی و رکیبانی، تاریخ اسلام از بعثت نبوی تا حکومت علوی، ص ۱۸۰



فصل پنجم
از سقیفه تا قتل
عثمان

viewed by guest with IP=2 in 1399/05/12 23:15:57

حس حق خواهی انسان، مهم‌ترین تضمین‌کننده بقای انسانیت است. پافشاری شگفت‌انگیز گروه‌های انسانی و بسیاری از دانشمندان جهان بر مسائلی چون جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان‌دهنده آن است که:

۱. انسان در پی اثبات و توجیه باورهای خویش است و همه نیروهای حیاتی را بسیج می‌کند تا گذشت قرن‌ها گرد فراموشی بر موضوع مورد اعتقادش نیفتد.

۲. حق بدان علت که حق است، هرچند جنبه اعتقادی نیز نداشته باشد، مورد دفاع جدی نوع انسان است، تا آنجا که بسیاری از متفکران ملل غیرمسلمان در موضوع خلافت و «بیان حق» و شخصیت مردان صحیحین خلافت، با اندیشه، منطق و استدلال وارد میدان مطالعه، تحقیق و اظهار نظر شده‌اند؛ چنانکه همه انسان‌های آگاه هنوز از حکم نادرست علیه سقراط، گالیله و... تأسف می‌خورند.

در مسائل تاریخی آنچه بیش از اصل پژوهش اهمیت دارد، جلوگیری از حاکمیت احساسات در نتیجه‌گیری از تحقیق، و استفاده ناروا از پژوهش است.^۱ بی‌تردید تکیه بر منابع اصلی و مورد قبول در مسائل اختلافی مورد پژوهش، و بهره‌گیری از روش علمی و بررسی جوانب مسئله در تحلیل‌ها و استنتاج‌ها، بسیاری از حساسیت‌ها را کاهش می‌دهد و راه استفاده ناروای دوستان نادان و دشمنان حيله‌گرا مسدود می‌سازد.

در بررسی واقع‌بینانه رخداد‌های بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، به‌طور طبیعی بازگشت به گذشته و طرح چند پرسش مناسب است:

۱. ضرورت و انگیزه نیاز به جانشین چیست؟

۲. انتظار خردپسند از پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه چه بوده است؟

۱. جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۱ - ۳۰۸؛ عبده، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۸.

۳. معنای پیشوایی امت در جانشینی و وظایف ولی امر مسلمانان بعد از پیامبر ﷺ چیست؟

هرچند علم کلام عهده‌دار پاسخ به چنین پرسش‌هایی است، اشاره‌ای کوتاه بدین پاسخ‌ها ضروری است. زیرا این مباحث در تبیین و ورود صحیح به مطالب اصلی این فصل نقشی تعیین‌کننده دارد.

برخی از دلایل نیاز به جانشینی پیامبر ﷺ عبارت است از:

۱. دلایل و فلسفه بعثت پیامبران ﷺ، مانند قانون ثابت و ضروری هدایت عمومی.
۲. نیاز جامعه به زمامدار.
۳. لزوم ارتباط بین عالم ربوبی و عالم انسانی.
۴. تفسیر و بیان اصول کلی دین و آیات قرآن.
۵. تأکیدهای قرآن بر نقش جانشین پیامبر ﷺ در تکمیل دین و اتمام نعمت.

سیره مستمر پیامبر ﷺ چنان بود که در سفرهای کوتاه‌مدت یک یا چند روزه، برای خود جانشین تعیین می‌کرد. پس چگونه ممکن است در سفر طولانی و بدون بازگشت (مرگ)، امت را بدون راهنما و رهبر رها سازد؟ آیا معقول است شخصیتی که عقل کل به‌شمار می‌آید، دین را نسخه شفابخش بشر در همه زمان‌ها می‌داند، از خود مردم به آنان مهربان‌تر بوده، برای سعادت و هدایتشان سخت‌ترین آزارها را به‌جان خریده است، در به ساحل نجات رساندن امت و ثمربخش کردن دین، تدبیری نیندیشیده باشد؟! آیا ساحت مقدس شخصیت والا و ممتاز نبی اکرم ﷺ چنین کوتاهی را برمی‌تابد؟

با عنایت به اینکه سیره دیگر پیامبران ﷺ نیز بر انتصاب جانشین شایسته دلالت دارد،^۱ آیا نادیده گرفتن این امر از سوی پیامبر خاتم ﷺ کوتاهی در انجام رسالت شمرده نمی‌شود! راستی پیام نص قرآن که با تأکید «بَلِّغْ» و تهدید «إِنْ لَمْ تَفْعَلْ» و تضمین و تأمین «وَاللَّهُ يَعْصَمُكَ»،^۲ ثمره ۲۳ سال تلاش و تبلیغ را در گرو آن قرار می‌دهد، چیست؟^۳

۱. یوشع و بطرس به ترتیب از سوی حضرت موسی و عیسی ﷺ به جانشینی برگزیده شدند. رنک: دوران، تاریخ

تمدن، ج ۳، ص ۶۷۹ - ۶۷۴

۲. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمَّا يَبْلُغْ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.

مانده (۵: ۶۷)

هر پژوهشگر منصف و مسلمان حق طلب جا دارد از خود بپرسد: مأموریتی که اگر پیامبر ﷺ انجام نمی داد، همه دستاوردهای رسالتش نابود می شد، چه بود؟ بی تردید اموری چون ابلاغ توحید، معاد، روزه، قوانین اقتصادی، اتحاد سیاسی و مرزبندی اعتقادی با کفار نمی تواند پاسخ این پرسش به شمار آید. زیرا همه این موارد پیشتر در آیات متعدد بیان شده بود. از سوی دیگر، حتی اعلان محبت به یکی از یاران فداکار و با اخلاص پیامبر ﷺ نیز نمی تواند پاسخ این پرسش باشد. چون این مسئله به مقدمه اعتراف گرفتن از مردم به عنوان «اولی به تصرف» نیازمند نیست.

در موقعیتی که:

۱. منافقان اندیشه کودتا در سر دارند.^۱
۲. گروهی با ادعای دروغین نبوت در اطراف مدینه طبل نافرمانی و ارتداد می کوبند.
۳. پیامبر ﷺ مسافر سرای دیگر است.

جز تعیین جانشین، کدام مسئله انتظار می رود؟ جز ابلاغ رسمی و عمومی امامت و رهبری، چه چیزی می تواند هم سنگ رسالت و نبوت قرار گیرد؟ در حالی که همسر پیامبر عایشه، جناب ابوبکر، عمر و عبدالله (فرزند عمر) به لزوم تعیین جانشین و سرپرست برای جانشینان بعد از پیامبر تأکید داشته اند، آیا می توان گفت که پیامبر ﷺ - با توجه به شناختی که از اصحاب داشته و اهمیتی که برای دین و لزوم استواری و ماندگاری آن بدور از تحریفات و انحرافات قائل بوده است - به ضرورت تعیین جانشین پی نبرده باشد؟ چنانکه خواهد آمد، ابوبکر طی وصیتی برای بعد از خود جانشینی را تعیین و معرفی کرد؛ عمر نیز با اذعان به ضرورت انتخاب جانشین، جانشینی یکی از شش نفر از اعضای انتخابی اش را پذیرفت.

عبدالله بن عمر به پدرش گفت: مردم می گویند تو نمی خواهی کسی را جانشین خود سازی! اگر تو ساربان یا چوپانی می داشتی، او نزد تو می آمد و شتران یا گوسفندان را همین گونه رها می کرد، بی تردید می گفתי چوپان مقصر است. اگر کسی را برای سرپرستی بندگان خدا به جای خویش تعیین نکنی، چون نزد خدا روی، چه پاسخ می دهی؟!^۲

۱. نزول سوره منافقون در سال نهم و دهم مؤید این سخن است.

۲. ابن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۱۷۵؛ امینی، الغدير، ج ۷، ص ۱۳۳ - ۱۳۲.

ابن ابی‌الحدید معتزلی، هنگام نقل گفتگوی خود با نقیب علوی درباره مسئله خلافت و رویداد سقیفه، می‌گوید: به نقیب گفتیم دلم راضی نمی‌شود بگویم اصحاب پیامبر ﷺ گناه کردند و برخلاف گفته او گام برداشته، نص «غدير» را زیر پا نهادند. نقیب در جواب گفت: دل من نیز راضی نمی‌شود بگویم «پیامبر» ﷺ اهمال‌کار بود و امت را همین‌گونه بی‌سرپرست رها کرد و رفت. چگونه ممکن است برای پس از مرگش کسی را امیر مسلمانان قرار ندهد! عایشه - همسر پیامبر - به عبدالله بن عمر گفت: پسر من، سلام مرا به پدرت برسان و بگو: امت محمد ﷺ را بی‌سرپرست رها مکن. کسی را در میان آنان جانشین خود ساز... می‌ترسم آشوب برپا شود.^۲

با عنایت به آنچه به اشاره گذشت آیا می‌توان گفت که سقیفه منشأ و زیرساخت‌های تاریخی دارد و بازیگران آن برای رسیدن به اهداف خود از نظریه «قرآن‌بسندگی» بهره بردند. بر این اساس، تأکید پیامبر ﷺ بر امر پیشوایی امت بعد از خود در مواضع و زمان‌های مختلف نیز به سبب همین تحرکات پشت‌پرده بوده است.

سؤال این است: وقتی چنین افرادی لزوم تعیین جانشین رهبر را دریابند، چگونه ممکن است پیامبر اکرم ﷺ ضرورت و اهمیت کار را در نیابد و در این خصوص چاره‌ای نیندیشد؟! آیا نمی‌توان گفت انکار تعیین جانشین از جانب پیامبر ﷺ، به نگرش منکران نسبت به شأن معنوی و شخصیت سیاسی و اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ بازگشت می‌کند؟ آیا اگر کسی یا گروهی معتقد بود «پیامبر ﷺ فقط در تلقی وحی و حداکثر ابلاغ آن عصمت دارد و سخن او نیز فقط در مسائل اخروی حجت است و مردم عادی در امور دنیا از او عالم‌ترند»، مجالی برای قبول سخن پیامبر ﷺ در بسیاری از مسائل عبادی و اجتماعی از جمله جانشینی و هر امر دیگری باقی می‌ماند؟

به نظر شیعه و نیز چنان‌که بررسی حوادث زمان رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد، با وجود مراتب معنوی اصحاب به‌طور کلی، سرپیچی از فرمان پیامبر، در میان آنان، بی‌سابقه نبوده است. به‌درستی می‌توان گفت هنوز ناخالصی‌هایی در برخی از مسلمانان آن روز وجود داشت که موجب می‌شد همه‌جا و همیشه در برابر دستور خدا و پیامبر، تسلیم و

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۴۸.

۲. دینوری، الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۲.

اطاعت از خود نشان ندهند و وقتی فرمان پیامبر ﷺ با تمایلات شخصی، گرایش قبیلگی یا افکار سیاسی آنان همسو نبود، با نوعی خودرایی و اجتهاد ناموجه، می‌خواستند پیامبر را از تصمیم خود منصرف سازند یا در اجرای آن کوتاهی، یا به آن اعتراض می‌کردند.^۱ افزون بر این، تعدادی از آیات قرآن بر لزوم تبعیت از دستور پیامبر تأکید دارد و به مسلمانان هشدار می‌دهد که از تمرد فرمان پیامبر یا سبقت بر او خودداری کنند. در قرآن آمده است:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا * فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.^۲

و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند. و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند. ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ.^۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و فرستاده او را فرمان برید و از او روی برنتابید در حالی که [سخنان او را] می‌شنوید.

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلِدُونَ مِنْكُمْ لَوْ آذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.^۴

خطاب کردن پیامبر را در میان خود، مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار مدهید. خدا می‌داند [چه] کسانی از شما دزدانه [از نزد او] می‌گریزند، پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند.

۱. ر.ک: موسوی، النص والاجتهاد.

۲. نساء ۴: ۶۵ - ۶۴.

۳. انفال ۸: ۲۰.

۴. نور ۲۴: ۶۳.

فصل ششم
نگاهی به حکومت
امام علی علیه السلام

viewed by guest with IP=2 in 1389/05/12 23:41:18

امیرمؤمنان علی علیه السلام در سیزدهم رجب، سی سال بعد از عام الفیل - ۵۹۹ یا ۶۰۰ م - و ۲۳ سال قبل از هجرت در کعبه به دنیا آمد.^۱ دوره حساس کودکی و نوجوانی را در خانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و با تربیت وی به سر برد.^۲ این تربیت او را از قلب حساس، دیده نافذ و گوش شنوا برخوردار ساخت؛ به گونه ای که می توانست چیزهایی ببیند و صداهایی بشنود که دیدن و شنیدن آن برای دیگران ممکن نبود. امام صادق علیه السلام می فرماید: علی علیه السلام پیش از رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله همراه آن حضرت نور نبوت را می دید و صدای فرشته را می شنید.^۳

پیش گام بودن آن حضرت در پذیرش و ابراز اسلام، ارزشی است که قرآن بر آن تکیه کرده، آشکارا می گوید: «پیش گامان در اسلام نزد خداوند ارزشی والا دارند».^۴

باید توجه داشت عنایت قرآن به موضوع «سبقت» در پذیرش اسلام چنان است که حتی کسانی را که پیش از فتح مکه ایمان آورده، جان و مال خود را در راه خدا بذل کرده اند از ایمان آوردگان و جهادگران پس از پیروزی برتر شمرده است؛ چه رسد به کسانی که پیش از هجرت و در سال های نخست ظهور اسلام مسلمان شده اند. از نظر تربیتی، حتی لحظه ای دل به بت پرستی نیالودن و پرستش خدای یگانه در اولین لحظات خودشناسی بسیار مهم است. این دو فضیلت اختصاصی حضرت علی علیه السلام به شمار می آید.^۵ همچنان که استمرار این ایمان که ضامن پیامد پربار آن، گروه و پیش گامی بود در تنی چند از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نیز ظهور یافت.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۷؛ شیخ مفید، الارشاد، ص ۸.

۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۸۲؛ السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳. بنگرید به: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۰۸ به بعد.

۴. و السابِقُونَ السَابِقُونَ «أُولَئِكَ الْمُقَدَّمُونَ. الواقعة (۵۶: ۱۱ - ۱۰)

۵. ر.ک: صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

اعلام پشتیبانی همه جانبه از آخرین سفیر الهی در اولین دعوت بستگان^۱ و اعلام جانشینی علی علیه السلام از سوی آن حضرت صلی الله علیه و آله به روشنی گویای موقعیت امامت است؛ چنانکه می توان تاریخ پیدایش تشیع را ریشه یابی کرد و جدایی ناپذیری امامت و نبوت را به خوبی دریافت. فداکاری آن حضرت صلی الله علیه و آله در «ليلة المبيت»^۲ سبب خشنودی خداوند و نزول برکت و عطاوفت الهی به بندگان شد.

در پیمان «اخوت اسلامی» که در آن نوعی هماهنگی و تناسب افراد با یکدیگر از نظر ایمان، فضیلت و شخصیت اسلامی رعایت شده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله او را به برادری خویش برگزید و بدین ترتیب، حدیث منزلت را به کمال رساند.^۳ شایستگی همسری حضرت فاطمه علیها السلام، نشان دیگری از جایگاه معنوی و کمالات آن حضرت است. دلاوری آن حضرت در همه غزوات زمان پیامبر معروف است و کتب سیره، تاریخ و حدیث اهل سنت و شیعه از آن آکنده است.

در نخستین رویارویی نظامی، جز کسانی که در قتل آنان اختلاف است، هشت تن از پرچم داران سپاه شرك با شمشیر او از پای درآمدند.^۴ در جنگ احد، که بسیاری از معرکه گریختند، علی علیه السلام با تنی چند از اصحاب در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی ماند و خود را سپروی ساخت.^۵ کشتن عمرو بن عبدود در غزه خندق به دست آن حضرت صلی الله علیه و آله، که در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله از عبادت جن و انس برتر شمرده شده است، بسیار مشهور است.^۶

در جنگ خیبر، حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای فتح دژهای نفوذناپذیر یهودیان پرچم سفید خود را به ترتیب به ابوبکر و عمر بن خطاب سپرد و آنها را برای گرفتن «قلعه قموص» فرستاد، اما آنها بی هیچ توفیقی رو به هزیمت گذاشتند. آنگاه حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «لأعطينَّ

۱. شعراء: ۲۶، ۲۱۴.

۲. بنگرید به: حلبی، السيرة الحلبیة، ج ۱، ص ۲۸۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۶۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۴ - ۳، ص ۲۰۶.

۳. بنگرید به: یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۹؛ امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۶.

۴. بنگرید به: ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۳۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴.

۵. بنگرید به: شیخ مفید، الارشاد، ص ۱۱۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۸۲.

۶. رنک، واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۲۵۰؛ ج ۱۵، ص ۵۴.

۷. بنگرید به: بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۹؛ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۹۱ و ۱۹۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۳۶۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۱۵.

الرأیة غدا رجلاً یحب الله ورسوله ویحبه الله ورسوله، یفتح الله علی یدیهِ کزازٍ غیر فرار؛ فردا پرچم را به دست کسی خواهیم داد که خدا و رسولش را دوست دارد، همان طور که خدا و رسول او را دوست دارند، و خداوند به دست او مسلمانان را به پیروزی می‌رساند، پی در پی حمله می‌کند، بدون فرار و عقب‌نشینی است.^۱ فردای آن روز، پرچم را به علی علیه السلام سپرد. فتح نمایان آن حضرت علیه السلام در کانون توطئه یهودیان زبانزد خاص و عام است.^۲

قبول مسئولیت نمایندگی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و اعلان یکی از بزرگ‌ترین مواضع اصولی اسلام، یعنی اصل برائت از مشرکان در مراسم حج که به فرمان مؤکد خداوند متعال انجام گرفت، از دیگر صفحات زرین زندگی علی علیه السلام در عصر رسول خداست.^۳

امام علی علیه السلام و خلفای سه‌گانه

پس از حوادث از پیش طراحی شده‌ای که نقطه واگرایی تاریخ قلمداد شده است (جریان سقیفه)، گرایش‌های شیعیان، عملکرد فعال خود را از دست داد. مقایسه کردار علی علیه السلام در طول زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و نقش وی پس از رحلت آن بزرگوار، نشان‌دهنده نگرش انفعالی او به قدرت حاکم است؛ چراکه شخصیتی که به دلیل توان و شایستگی لازم در دوران حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همه ابعاد جامعه اسلامی نقش اول را با کمال اخلاص و کارایی مناسب دارد از این پس فقط در زوایایی بسیار محدود مورد توجه قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، توجه به ایمان راسخ علی علیه السلام و شایستگی کامل وی برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و زحمات طاقت‌فرسایی که در طول این مدت به انجام رسیده است، این انتظار را که او باید برای احقاق حقوق خود و اعتلای اسلام راستین تا آخرین نفس جنگیده باشد، کاملاً موجه می‌سازد. به یقین انفعال و ترک اقدام مسلحانه و خشونت‌آمیز وی علل جدی داشته است.

۱. بنگرید به: وافدی، *المغازی*، ج ۲، ص ۶۵۴؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۳۲؛ شیخ طوسی، *امالی الطوسی*، ص ۳۸۰؛ مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۴۱، ص ۲۹.
 ۲. بنگرید به: همان، ج ۲۰، ص ۲۱۵؛ ابن عبدالبر قرطبی، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، ج ۳، ص ۳۶؛ بخاری، *صحیح البخاری*، ج ۵، ص ۱۸؛ قشیری، *صحیح المسلم*، ج ۷، ص ۱۲۱.
 ۳. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۱۲۲؛ مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ص ۲۳۷؛ شیخ مفید، *الارشاد*، ص ۳۷؛ امینی، *الغدیر*، ج ۶، ص ۲۴۱.

♦ برای مطالعه بیشتر

امام علی علیه السلام وفاداری خلل ناپذیر و مصلحت اسلام

با مطالعه زوایای تاریخ اسلام به روشنی می یابیم که علی بن ابی طالب علیه السلام برای استمرار اهداف رسالت از مجرای امامت و برگردان جریان خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله بر قاعده امامت و ولایت بسیار کوشیده است، اقا به نتیجه نرسیده است. براساس تحلیلی عقلانی، برای جامه عمل پوشانیدن این هدف، دو راه پیش روی علی علیه السلام وجود داشته است:

۱. تلاش فرهنگی و بیان دلایل و شواهد موجود بر این امر و بازخوانی خاطرات و ذهنیاتی که مردم در این باره داشتند و در نتیجه همراه کردن افکار عمومی و بهره مند شدن از پشتوانه حمایت های مردمی.

۲. برخورد قهرآمیز و خشونت خیز با جریان شکل گرفته، و توسل به قبضه شمشیر. به نظر می رسد وجود مبارک علی علیه السلام و نیز همسر یگانه اش فاطمه زهرا علیهما السلام در پیمودن راه اول، فروگذار نکردند. احتجاجات علی علیه السلام با خلیفه اول و کارگزارش عمر بن خطاب نمونه ای از ده ها مورد از این تلاش است. وی به ایشان فرمود:

من به امارت از شما سزاوارترم. با شما بیعت نمی کنم، که شما به بیعت با من سزاوارترید. امارت را از انصار با حجت قرابت پیامبر ستانید و اکنون آن را از اهل بیت غصب می کنید؟ آیا شما نبودید که انصار را به بیعت با خود واداشتید، به این دلیل که محمد صلی الله علیه و آله از شما بود و آنها نیز تسلیم شدند؟ اکنون من در مقابل شما همان حجتی را می آورم که شما در مقابل انصار آوردید. من از هرکس به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک ترم؛ چه در حیات وی و چه پس از مرگ. ... خطبه صدیقه طاهره، حضرت زهرا علیهما السلام در مسجد و احتجاجات آن حضرت با خلیفه در رویداد فدک، استمداد شبانه علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام از مهاجران و انصار و رفتن بر در خانه ایشان و اقداماتی از این نمونه، نشان همین تلاش است.

اما توسل به زور و انتخاب راه حل دوم، به نظر می رسد مورد قبول امام علیه السلام نبوده است. چرا که در فرض موفقیت، در واقع گشودن درگاه جدیدی برای تصاحب حکومت در جامعه اسلامی می بود و چنانچه در آن مقطع، خلیفه - هرچند بر حق - به جای بیعت، از راه جنگ و خون ریزی به حکومت می رسید، اعمال خشونت پل رسیدن به قدرت تلقی می شد و مشروعیت می یافت؛ اهرمی که متأسفانه با شورش بر ضد عثمان و کشتن او مورد استفاده قرار گرفت و سپس فتنه جویی های معاویه رسمی شد و موجب گردید حرمت دستگاه خلافت از میان رود و ذهن مردم برای معتبر دانستن تغلب آماده شود و کابوس جنگ قدرت در جامعه اسلامی تحقق یابد.

اگر مصالحه نامیدن این واقعیات ممکن باشد، می‌توان گفت: آنچه علی علیه السلام را به مدارا با نظام حاکم واداشت - گذشته از نداشتن یاور برای انجام مقاصد خود - مسئله گسترش ارتداد و خطر روزافزون مدعیان دروغین نبوت در جزیره العرب بود. امام علیه السلام در بیان دلیل این مدارا می‌فرماید:

نخست دست خود را بازکشیدم، تا آنکه دیدم گروهی در دین خود نماندند و از اسلام روی گرداندند و مردم را به نابود ساختن دین محمد صلی الله علیه و آله دعوت می‌کنند. پس ترسیدم اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، رخنه یا ویرانی‌ای در آن بینم که مصیبت آن بر من از مصیبت از دست رفتن چند روزه خلافت بسی بیشتر است.

به همین دلیل، امام علیه السلام با ابوسفیان، که در پی رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر بود با وی بیعت کند، مخالفت ورزید و به او فرمود: «تو همیشه دشمن اسلام و مسلمانان بوده‌ای». ^۲ شاعری را که در همان فضای پرهیجان سقیفه درباره حقانیت و فضایل آن حضرت و کوهش مخالفانش شعر سروده بود، نهی کرد و فرمود: «سلامة الدین احب الینا من غیره».

ابن ابی‌الحدید معتزلی نقل می‌کند: روزی فاطمه علیها السلام علی علیه السلام را دعوت به قیام کرد. در همین حال، فریاد مؤذن برخاست و عبارت «اشهد ان محمدا رسول الله» در فضا پیچید. علی علیه السلام به زهرا گفت: آیا دوست داری این فریاد خاموش شود؟ زهرا پاسخ داد: نه. امام علیه السلام گفت: سخن من جز این نیست.

تقارن جانشینی ابوبکر با واقعیت ارتداد، ^۳ تلاش‌های خلفا به‌ویژه کشورگشایی‌های خلیفه دوم، به‌طور طبیعی مردم مدینه را واداشت تا علیه خطر مشترک، متحد شوند و اختلافات شخصی و عقیدتی موجود را فراموش کنند. مطابق انتظار، این خطر داخلی و تهدیدهای خارجی در کاهش مخالفت‌های داخلی با حکمرانی ابوبکر و عمر بسیار مؤثر بود.

از سوی دیگر ویژگی علی علیه السلام، چنانکه به‌طور یکسان در منابع سنی و شیعه ارائه می‌شود، نشان می‌دهد که احساسات عاشقانه، تعهد و وفاداری خلل‌ناپذیر او به اسلام از همه ملاحظات شخصی و حتی گروهی‌اش مهم‌تر و بالاتر شمرده می‌شد. در رویداد تعیین عثمان به عنوان خلیفه، از سوی شورای شش نفری، امام فرمود: نیک می‌دانید من از همه برای خلافت شایسته‌ترم. به خدا سوگند، تا وقتی کار مسلمانان

۱. رنک: نهج البلاغه، نامه ۶۲.

۲. رنک: جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام؛ تاریخ خلفا، ص ۲۳.

۳. با قطع نظر از دلایل قضیه ارتداد، شواهد تاریخی از نوعی تصفیه حساب‌های درون دینی نیز حکایت می‌کند.

رنک: آل‌یاسین، نصوص الردة فی تاریخ الطبری، نقد و تحلیل، ص ۱۰۳ - ۱۰۱

فصل ہفتم
امام حسن و
امام حسین علیہ السلام و
مقتضیات زمان

viewed by guest with IP=2 in 1389/05/12 23:06:41

حفظ شجره طیبه دین، تفسیر و تبیین گوهر زندگی بخش و فروزنده آن، نشاندن انسان در سایه سار این نعمت، بازنمایی شخصیت انسان تا رسیدن به مقام قرب و خلیفه‌اللهی، به فعلیت رساندن استعداد‌های وی، تدبیر نظم و سازمان جامعه در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی (مرجعیت فکری و سیاسی) وجه مشخصه امامان و جانشینان صاحب شریعت است.

حرکت و فعالیت مستمر امامان علیهم‌السلام، از سال یازدهم هجرت آغاز شد و تا ۲۵۰ سال ادامه یافت. در این مدت، أسوه‌هایی با یک هدف و یک جهت در تاریخ آشکار شدند. اگر زندگی، تاریخ و سیره به ظاهر متخالف یکایک آنان را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، به خوبی می‌توان انسانی را فرض کرد که ۲۵۰ سال زندگی کرده و در موقعیت‌های آسان و دشوار در مسیر حراست ارزش‌های الهی و تبیین دین و زندگی شرافت‌مندانه گام برداشته است.

به‌طور طبیعی هر انسانی، که از عقل و حکمت برخوردار باشد در یک حرکت بلندمدت تاکتیک‌ها و اختیاراتی موضوعی خواهد داشت. گاه ممکن است لازم باشد تند حرکت کند و گاه کند؛ گاهی حتی ممکن است به عقب‌نشینی حکیمانه دست بزند؛ اما همان عقب‌نشینی هم، از نظر کسانی که علم و حکمت و هدف‌داری‌اش را می‌دانند، یک حرکت به جلو محسوب می‌شود و با این دید است که زندگی یازده امام علیهم‌السلام یک حرکت مستمر، به‌هم پیوسته و معنادار، در راستای اهداف انبیا در طول تاریخ شناخته می‌شود.^۱

در بررسی برخی حوادث و پدیده‌های مهم زندگی پیشوایان اسلام نتیجه می‌گیریم که در عمر ۲۵۰ ساله امامت معصومان علیهم‌السلام، با آن همه دشواری‌ها و موانع، یک لحظه چشم‌پوشی از مسئولیت یافت نمی‌شود؛ بلکه با آگاهی کامل از موانع و مشکلات جامعه، سراسر درگیری، مراقبت،

۱. خامنه‌ای، عنصر مبارزه در زندگی ائمه علیهم‌السلام، ص ۸ - ۷. با اندکی دخل و تصرف

نشر فرهنگ قرآن، تبدیل همه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی به پهنه نبرد حق و باطل و مقابله جدی با حرکت‌های انحرافی است.

با دقت در عملکرد این اسوه‌ها خواهیم دید که در شناخت عینیت جامعه برای نشر صلاح و رستگاری، مهم‌ترین عامل، درک عمیق و دید نافذی است که باید یک رهبر از آن برخوردار باشد، تا با تدبیر مناسب به حمایت و تقویت شایسته حق پرداخته، در برابر شبهه‌انگیزی‌های باطل، پاسخی حکیمانه و خردپذیر ارائه کند.^۱

نرمش قهرمانانه امام حسن علیه السلام

پیشوای دوم جهان تشیع، امام حسن مجتبی علیه السلام که در شمار پنج تن اهل بیت^۲ و همراهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در واقعه مباحله^۳ جای دارد، حدود هشت سال از عمر خود را در پرتو تعلیمات و الطاف جدّ بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله به سر برد. پس از آن، حدود ۳۰ سال، همراه پدرش زیست و آنگاه ده سال، در دوران سلطنت معاویه،^۴ امامت امت را به عهده داشت. امتیازات فراوان اخلاقی و فضایل انسانی او نزد اهل سنت و شیعه مشهور است. سیوطی، دانشمند اهل سنت، می‌نویسد: حسن بن علی شخصیتی بزرگوار، بردبار، باوقار، متین، بخشنده و مورد ستایش مردم بود.^۵

او به گواهی تاریخ، فردی بسیار دلیر بود و در راه پیشرفت اسلام از هیچ‌گونه جانبازی دریغ نمی‌ورزید. در جنگ جمل، در قلب سپاه دشمن جنگید و در جنگ صفین با دلآوری‌های خود، شگفتی همگان را برانگیخت.^۶

در سال چهلم هجری، مسئولیت رهبری سیاسی و مذهبی جامعه اسلامی را به عهده

۱. ر.ک: حکیمی، امام در عینیت جامعه، ص ۲۳ - ۱۷.

۲. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. احزاب (۳۳:۳۳)

۳. قَمْنِ حَاجِلِكَ فَيَدُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ قُلْتُ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ. آل عمران (۶۱:۳)

۴. معاویه که از جانب خلیفه دوم عهده‌دار حکومت شام شده بود در دوران خلیفه سوم بیش از پیش موقعیت خود را تثبیت کرد. بعد از حوادث سال چهلم هجری حکومت سلسله اموی را به طور رسمی بنیان نهاد. حکومت اموی به دو شاخه سفیانی ۶۴ - ۴۰ ق و مروانی (۱۳۲ - ۶۵) تقسیم می‌شود.

۵. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۱۸۹؛ صدرحاج سید جوادی و...، دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۴۵ به بعد.

۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۵.

- گرفت و چون مدیری کارآزموده در جهت تحقق برنامه‌های پدر بزرگوارش گام برداشت. حساس‌ترین بخش زندگی امام مجتبی علیه السلام که از گذشته‌های دور تاکنون مورد پرسش و گفتگوی فراوان واقع شده و گاه موجب خرده‌گیری دوستان کوتاه‌بین و دشمنان مغرض گردیده است، ماجرای کناره‌گیری اجباری وی از خلافت است؛ به‌ویژه وقتی عملکرد وی در برابر معاویه و جهاد امام حسین علیه السلام علیه یزید و حوادث پس از آن مقایسه می‌شود، این پرسش در کنار پرسش‌های دیگر، به صورت مهم‌تری مطرح می‌شود. بخشی از این پرسش‌ها عبارت است از:
۱. چرا شخصیتی الهی چون امام حسن علیه السلام با شخص پلیدی چون معاویه صلح کرد؟
 ۲. انگیزه امام حسن علیه السلام و معاویه در رویداد صلح چه بود؟
 ۳. آیا اساساً اسلام دین صلح است یا جنگ و جهاد؟
 ۴. با عنایت به فرهنگ همیشه پیروز «احدی الحسین»، آیا بهتر نبود کردار امام حسین علیه السلام پیشتر به‌وسیله امام حسن علیه السلام انجام می‌گرفت؟
 ۵. آیا مخالفت با معاویه، به‌عنوان نیرویی سرکش و فرصت‌طلب که هنوز کسی وی را خلیفه مسلمانان نمی‌شناسد، از مخالفت با یزید توجیه‌پذیرتر نبود؟
 ۶. آیا اساساً دو فرزند علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام که شاکرد یک مکتب بودند و در موقعیتی کاملاً مساوی از تربیت و رشد برخوردار شدند، دو روحیه متفاوت و متعارض داشتند؟

زمینه‌های «آتش‌بس»

در تحلیل و بررسی عملکرد زندگی امام مجتبی علیه السلام باید گفت: اوضاع نامساعد و عوامل گوناگون، موقعیتی پدید آورد که صلح، به‌عنوان یک مسئله ضروری، بر امام علیه السلام تحمیل شود؛ به‌گونه‌ای که هر خردمندی در آن موقعیت قرار می‌گرفت، چاره‌ای جز مسالمت نداشت. از نظر سیاست خارجی، ترکیب جبهه مسلمانان چنان بود که فرورفتن در جنگ داخلی دستاوردی جز زیان نداشت. زیرا امپراتوری روم شرقی، که شکست‌هایی سخت از اسلام خورده بود، همواره در پی فرصت می‌گشت تا ضربه‌ای بر اسلام وارد سازد و شکست‌های پیشین خود را جبران کند. صف‌آرایی سپاه امام حسن و معاویه در مقابل هم می‌توانست فرصت انتقام را در اختیار رومیان قرار دهد.^۱

۱. یعقوبی، تاریخ‌الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲ به بعد.

از نظر سیاست داخلی، نبود جبهه نیرومند و هماهنگ و دارای روحیه، جنگ را بسیار ناموفق و جبران‌ناپذیر می‌نمایاند. با آنکه بعد از شهادت امام علی علیه السلام بسیاری از مردم کوفه با امام حسن علیه السلام بیعت کرده، پیمان وفاداری و سربازی بسته بودند، واقعیت کوفه چیزی جز گوناگونی گرایش‌ها، تشتت آرا و آشکار شدن کینه‌ها میان مردم نبود. توجه به هسته‌های اصلی شکل‌دهنده سپاه امام علیه السلام ماهیت واقعی آن را بهتر می‌نمایاند. سپاه امام علیه السلام از چند گروه پدید آمده بود:

الف) شیعیان. شمار عناصر شیعی سپاه امام علیه السلام از دیگر گروه‌ها کمتر نبود. این گروه، اخلاص و صمیمیت خود را به اهل بیت در مراحل مختلف ثابت کرده بود. بی‌گمان اگر این گروه مخلص از دسیسه‌های همشهریان خود مصون می‌ماند برای مقابله با خطرهای شام کافی و شایسته بود. زیرا آمادگی و شور و نشاط به قدری در آن وجود داشت که برای هیچ‌کس قابل انکار نبود.

به‌راستی درباره باران باوفا و صدیق امام چون قیس بن سعد بن عبادة، عمرو بن حمق خزاعی، حجر بن عدی، سعید بن قیس همدانی، حبیب بن مظاهراسدی، عدی بن حاتم، مسیب بن نجیبه، زیاد بن صعصعه چگونه می‌توان اندیشید؟!^۱

ب) جناح اموی. به گواهی اسناد تاریخی، در این جناح عناصری نیرومند وجود داشتند که از طرف داران بسیار بهره می‌بردند و در پدیدآوردن یأس و تزلزل در سپاه تأثیری بسزا داشتند. این گروه، در کنار شایعه‌پراکنی، توطئه و ایجاد نفاق، پنهانی با شام پیوند برقرار ساخته و مراتب فرمان‌بری و همراهی خود را به معاویه اعلام کرده بودند.^۱

ج) سایرگروه‌ها. خوارج، شکاکان، سوجدویان، قبیله‌گرایان و... گروه‌هایی هستند که در این قسم جای دارند. اینان اغلب به سبب دشمنی با معاویه در سپاه امام حسن علیه السلام شرکت داشته، در تردید به سر می‌بردند. در نظر آنان، شخصیت بزرگی مانند امام حسن علیه السلام چندان بر معاویه ترجیح نداشت. اینان تنها به منافع مادی خود می‌اندیشیدند و از روی تعصب قومی و به پیروی از رئیس قبیله، در جنگ حضور می‌یافتند.^۲

در کنار سپاهی با این ترکیب که در تمایلات متضاد فرورفته بود، فتنه‌گری‌ها و تبلیغات

۱. شیخ مفید. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۱۷۰ به بعد.

۲. آل یاسین، صلح امام حسن علیه السلام، پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، ص ۱۰۵ - ۱۰۰.

رنگارنگ و فریب‌کارانه معاویه، چنان وضع را نامتعادل و بحرانی می‌ساخت که حتی فرماندهان بسیار خوش‌بین را نیز نگران و نومید می‌کرد.

بر اهل فن پوشیده نیست که به اراده الهی، نبوت و سپس امامت در زمین پیوسته به کمک یاوران با اخلاص استقرار یافته است. براساس اسناد تاریخی، هرچند امام حسن علیه السلام با سامان دادن سپاه و اندیشیدن سیاست‌های لازم^۱ برای جنگ با معاویه آماده شد،^۲ به سبب نبود هماهنگی، اختلاف سپاهیان و توطئه‌های معاویه، موقعیت برای چیرگی بر جبهه باطل مناسب نبود. بنابراین، امام کوشید تا خردمندان از وضعیت تحمیلی برای حفظ حق، بهره‌برداری کند. در حقیقت امام حسن علیه السلام بدون کمترین تغییر در جهت حرکت، سنگر مبارزه را تغییر داد و معاویه را که مانع نشر حق و عدالت می‌دانست، هدف قرار داده بود؛ گاه از زاویه تجهیز سپاه و زمانی از زاویه تدبیر و نرمش.

صلح یا تغییر سنگر مبارزه

امام حسن مجتبی علیه السلام فرزند حماسه‌های فراموش نشدنی بود و هرگز از کشته شدن در راه خدا نمی‌هراسید. آنچه وی را بیمناک ساخته بود، آینده سپاه کوفیان بود. بی‌تردید اگر با لشکری چنین شکننده پای به میدان رزم می‌نهاد، معاویه او را به اسارت در می‌آورد، تا ننگ شکست خاندانش به دست سپاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در جریان جنگ بدر جبران کند. بدون تردید اغلب اطرافیان امام حسن علیه السلام افرادی سیاسی بودند، نه آنان که امام حسن علیه السلام را امام از جانب خداوند پذیرفته باشند. از این رو سرانجام در مرز انتخاب، ماندن را با حکومت معاویه - گرچه با اکراه - پذیرفتند. سستی رأی آنها تا بدانجا بر امام واضح بود که فرمود:

به خدا سوگند، اگر با معاویه درگیر شوم، اینان گردن مرا گرفته، به صورت اسیر به او تحویل می‌دهند.^۳

۱. بی‌تردید ابتکار عمل و تدابیر امام حسن علیه السلام هنگام اخذ بیعت، مانند افزایش درآمد جنگجویان تا مرز صد در صد، اعدام جاسوسان معاویه در برابر مردم، به تأخیر انداختن شروع جنگ در نخستین روزهای حکومت و ارزیابی اوضاع، تبادل نامه‌ها و پیغام‌هایی برای معاویه و فراهم آوردن پرونده‌ای از نیرنگ‌های معاویه در نامه‌هایش و تلاش برای شناساندن چهره واقعی معاویه در نظر خردمندان و ژرف‌اندیشان از مترقی‌ترین روش‌های سیاسی بود که نشان‌دهنده شناخت کافی امام از مصالح مسلمانان و دوراندیشی آن حضرت در ابعاد مختلف است. همان

۲. رک: ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۷۱.

۳. همان، ص ۲۵۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰.